

اللغة
الفارسية



گناه و آثار شوم آن

در زندگی امت از قرآن و سنت

ترجمة كتاب (شؤم المعصية)

تأليف

أبو محمد عبد الله بن محمد بن عبد الرحمن السلاحان

ترجمة

إسحاق بن عبد الله العوضي

رحمه الله

چاوپ اول ۱۴۲۹/۱۳۸۷ هـ



گناه و آثار شوم آن

در زندگی امت از قرآن و سنت

ترجمة كتاب (شؤم المعصية)

تأليف:

أبو محمد عبد الله بن محمد بن عبد الرحمن السدحان

ترجمه:

اسحاق بن عبد الله العوضي

رحمه الله

چاپ اول ۱۴۲۹/۱۳۸۷ هـ



شمس الطباعة
جدة - ت: ۶۴۴۶۰۱۱

شناسنامه کتاب

نام کتاب	: گناه و آثار شوم آن در زندگی امت از قرآن و سنت.
مترجم	: إسحاق بن عبدالله العوضی.
نویسنده	: عبدالله بن محمد السدحان.
ناشر	: مکتب توعية الجالیات بشرق جده.
تیراژ	: ۵,۰۰۰.
سال چاپ	: ۱۳۸۷هـ. ش برابر با ذی حجه ۱۴۲۹هـ. ق.
نوبت چاپ	: اول.

آدرس ایمیل: En_Haghighat@yahoo.com

www.aqeedeh.com

سایتهای مفید اسلامی:

www.ahlesonnat.net

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

فهرست مطالب

ص	عنوان	م
۶	تقدیم شیخ عبدالله عبدالرحمن بن جبرین درباره این رساله	۱
۸	مقدمه	۲
۱۳	پیشگفتار	۳
۱۳	ریشه گناه	۴
۱۴	آثار گناه آدم و حوا بر فرزندان شان چیست؟	۵
۱۶	اولین گناه و نافرمانی که در زمین انجام گرفت	۶
۱۷	فصل اول: اسباب گناه	۷
۱۹	فصل دوم: آثار گناه در گذشتگان	۸
۱۹	یوسف <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	۹
۲۰	یازده برادر یوسف و بنی اسرائیل که فرزندان آنها بودند	۱۰
۲۴	شوم بودن فرعون برای خویش و خانواده و اطرافیانش	۱۱
۲۷	راز عذاب همیشگی کافران در جهنم	۱۲
۳۰	فصل سوم: آثار گناه در امت محمد <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small>	۱۳
۳۰	مردی که به پیامبر <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small> گفت با عدالت رفتار نکردی	۱۴
۳۱	پنهان شدن لیلہ القدر	۱۵

ص	عنوان	م
۳۲	شتر نفرین شده	۱۶
۳۲	دعای پیامبر ﷺ علیه طائفه مضر	۱۷
۳۳	محروم بودن از باران	۱۸
۳۳	مجازات خداوند نیکوکار و بدکار را فرامی گیرد	۱۹
۳۷	فصل چهارم: کارهای بسیار خطرناکی که انسان متوجه آن نمی شود، بسیار شوم و زود رخ خواهد داد	۲۰
۳۷	نافرمانی پدر و مادر و قطع خویشاوندی	۲۱
۳۹	زنا کردن و مقدمات آن	۲۲
۴۴	بلاء موکل به سخن است	۲۳
۴۶	لعنت و آثار شوم آن	۲۴
۴۸	وسواس بودن	۲۵
۵۰	فصل پنجم: آثار گناهان بر انسان	۲۶
۵۲	آثار ترک گناهان در دنیا	۲۷
۵۴	آثار ترک گناهان به هنگام مرگ	۲۸
۵۴	آثار ترک گناهان در روز قیامت	۲۹
۵۵	فصل ششم: توبه و شرایط آن	۳۰
۶۳	فصل هفتم: پاک کننده های گناه	۳۱
۶۵	چگونه خود را از فکر گناه محافظت می کنید	۳۲

ص	عنوان	م
۶۹	فصل هشتم: کیفر و عقاب گناه - گرچه پس از مدتی هم باشد - واقع می‌شود	۳۳
۷۰	اغفال شدن به رحمت خداوند جهل است	۳۴
۷۳	فصل نهم: راه رهایی از گناهان شوم	۳۵
۷۷	فصل دهم: «گناهانی که باید از آن پرهیز شود، و پیامبر ﷺ از آن نهی فرموده است	۳۶
۹۰	خاتمه	۳۷
۹۶	منابع و مأخذ	۳۸



برای ارتباط با ما می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

السعودية: الرياض - الرمزا البريدي: (١١٧٤٧). ص. پ: (١٥٠١٠٣)

www.aqeedeh.com

yad131@yahoo.com

aqeedeh@hotmail.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم شیخ دکتر عبدالله عبدالرحمن بن جبرین

الحمد لله رب العالمین، وصلى الله على محمد وآله وصحبه وسلم

رساله تألیف برادر محترم دکتر عبدالله بن محمد سدحان را مطالعه کردم، و ملاحظه کردم که ایشان روایات و اندرزهای ارزنده‌ای انتخاب نموده‌اند و شاهکار بزرگ کرده‌اند، و به شیوه استادانه و شایسته مقصود را رسانده‌اند. و چون ایشان مشاهده کرده‌اند بسیاری از مسلمانان در منجلاب گناه فرو رفته‌اند، و بر گناهان اصرار می‌ورزند، و به عواقب آن توجه نمی‌کنند اقدام به تألیف این رساله نموده‌اند.

بی‌تردید گناه و عصیان عامل از بین رفتن برکت و نزول عذاب الهی است، و آنچه بر سر پیشینیان آمد مجازات و کیفر زودرسی (بخاطر کفر و شرک و اصرار بر گناه و نافرمانی) بوده است، و کیفر زودرس شدیدتر و به یادماندنی‌تر است، خداوند دربارہ برخی از مجازات‌شدگان در دنیا می‌گوید: ﴿وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ

الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ﴿٣﴾ (الحشر: ۳).

«و اگر نه این بود که خداوند ترک وطن را بر آنان مقرر داشته بود آنها را در همین دنیا مجازات می‌کرد، و برای آنها در آخرت نیز عذاب آتش است.»

و همراه با آن چه می‌خوانیم و می‌شنویم، و با وجود این همه نصیحت‌ها و پندها، بسیاری از کشورها و افراد و گروه‌هایی که به اسلام مباهات می‌کنند را می‌بینیم که بر گناهان کبیره اصرار می‌ورزند، و به گناه کردن افتخار می‌کنند، و یکی از آن عاصیان به گناهش فخر می‌نمود، گویا کار نیک انجام داده، و آرزوی پاداش آن را دارد، و این افتخارکردن فریب و وسوسه شیطان است، پس بر هر مسلمانی واجب است به پروردگار روی آورد و رفتار خویش را اصلاح کند و توبه نماید، و بر گناهان گذشته خویش اندوهگین شود، و پروردگار توبه‌بندگان را می‌پذیرد و گناهان را مورد عفو قرار می‌دهد.

و صلی اللہ علی سیدنا محمد وآله وصحبه وسلم

عبد اللہ بن عبد الرحمن الجبرین

عضو افتاء



مقدمه

سپاس و ستایش از آن خداوند است، و او را می‌ستائیم و از او هدایت و یاری می‌جوئیم. و از شر نفس و بدی کردار به او پناه می‌بریم، خدا هر کسی را هدایت کند گمراه‌کننده‌ای ندارد، و هر که را گمراه کند هدایت‌کننده‌ای ندارد، و بر پیامبر ﷺ رحمت و هدایت درود و سلام می‌فرستیم، پیامبری که خداوند او را پس از انقطاع وحی فرستاد تا مردم را به استوارترین آئین هدایت کند، و بواسطه او چشم‌های کور و گوش‌های کر و دل‌های غافل را باز کرد. چه بسا مردمانی از سنگدلی و از بین رفتن برکت و وسوسه‌های شیطان و مشغول شدن به دنیا به جای دین شکایت می‌کنند.

و از فرموده پروردگار غافل هستند که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَفْلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ﴾ (ابراهیم: ۴۲).
 «گمان مبر که خدا، از آنچه ظالمان انجام می‌دهند، غافل است».

میمون بن هارون رضی الله عنه در معنای این آیه می‌گوید: (این آیه تسلی خاطر برای ستمدیده و تهدید برای ستمگر است). ابراهیم بن ادهم رضی الله عنه می‌گوید: (ما نسلی بهشتی بودیم ابلیس با معصیت ما را فریب داد و از آن رانده شدیم، پس شایسته است که انسان گناهکار به زندگی خرسند نشود تا به وطنش «بهشت» بازگردد).

بنابراین همه این بدبختی‌ها جز بهره گناه و شوم بودن آن چیز دیگری نیست، خداوند می‌فرماید: ﴿أَفَجَعَلُ الْمُتْسِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ﴾ (۳۵) ﴿مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ (۳۶) ﴿(القلم: ۳۵-۳۶)﴾.

«آیا مؤمنانی را (که در برابر حق و عدالت تسلیمند) همچون مشرکان و مجرمان قرار دهیم. شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می‌کنید؟».

﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمُ كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ (۲۱) ﴿(الجماعه: ۲۱)﴾.

«آیا کسانی که مرتکب بدیها و گناهان شدند گمان کردند که ما آنها را همچون کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند که حیات و مرگشان (در دنیا و آخرت) یکسان باشد؟! چه بد داوری می‌کنند».

﴿أَمْ يَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ يَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾ (۲۸) ﴿(ص: ۲۸)﴾.

«آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟!».

عامل گناه غفلت و شهوت است چنانچه شیخ الاسلام ابن

تیمیه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می گوید: (غفلت و شهوت گناهکار را به گناه تشویق می کند و ریشه بدبختی است) خداوند در قرآن می فرماید: ﴿وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ دِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا﴾ (الکهف: ۲۸).
 «و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همانها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است».

و هوس و نادانی با هم علت گناهان است، چون اگر شخص هوس باز بداند که هوی و هوس بسیار آسیب رسان است قطعاً از آن دوری می کند، به همین خاطر صحابه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ می گویند: (هر کسی که نافرمانی خداوند می کند نادان و جاهل است).

ولیکن این بیچاره به نادانی اش معذور نیست، پس گناهکار باید در عواقب گناه و بدبختی حاصل از آن در دنیا و آخرت - پناه به خدا - بیاندیشد، چون گناهکار هنگامی که گناه می کند، نافرمانی چه کسی می کند؟ نافرمانی مالک هستی می کند!

بلال بن سعد رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می گوید: (به ناچیزی گناه نگاه مکن، بلکه به عظمت کسی که نافرمانی اش می کنی نگاه کن).

آنچه مرا به نوشتن این رساله واداشت این است که مشاهده کردم بسیاری از مسلمانان متأسفانه در ارتکاب گناه سهل انگاری نموده، و می پندارند که توبه محض گناهان را پاک می کند.

ابن قیم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ می‌گوید: (گناه زخم است، و چه بسا زخم در جای کشنده باشد).

به خدا سوگند توبه تنها کافی نیست؛ بلکه لازم است انسان پشیمان شده و بی‌مناک باشد و همیشه طلب مغفرت نماید و همراه با آن احسان و کار نیک انجام دهد تا از جمله رستگاران مقرب قرار گیرد، خداوند می‌فرماید: ﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٧٠﴾﴾ (الفرقان: ۷۰). «مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می‌کند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است!».

و در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾﴾. (الفرقان: ۷۱).

«و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، بسوی خدا بازگشت می‌کند (و پاداش خود را از او می‌گیرد)».

ای برادر مسلمان: هنگامی که جان و نفس، شما را به گناه کردن فراخواند، و به انجام آن فکر کردی و در دل تصمیم به ارتکاب آن گرفتی، مطالبی که درباره شوم بودن گناه و عاقبت آن — که در ضمن این رساله می‌آید — را بخوانید، و عظمت آفریدگار و فضلش بر

خویش را به یاد آورید، خدای که نعمت سلامتی و عافیت را به شما عطا کرده است، و اگر این نعمت‌ها نبودند نمی‌توانستی گناه انجام بدهی، برادر رفتارت را با هم مقایسه کن، لذت گناه چند لحظه است، امیدوارم هنگام گناه کردن تلخی محرومیت را به یاد آورید، فایده در لذتی نیست که عاقبت آن آتش است.

از پروردگار خواستارم که ما و شما را از پلیدی و گناه محفوظ بدارد.

خدایا آرزوهایمان را برآورده کن، و عاقبت ما را نیکو گردان، و راه رسیدن به خشنودی را برایمان هموار ساز، و دست ما را در رسیدن به امور خیر بگیر، و در دنیا و آخرت به ما رحمت عطا فرما، ای غفار از مرحمت و مهربانی‌ات ما را از آتش جهنم محفوظ بفرما.

وصلی‌الله علی محمد وعلی آله وصحبه وسلم



پیشگفتار

ریشه‌ی گناه

«اولین گناه و نافرمانی که در آسمان انجام گرفت»^(۱).

اولین گناه در آسمان حسادت ابلیس به آدم بود، آنگاه که خداوند به او فرمان داد برای آدم سجده نماید، بخاطر تکبر و غرور و خودخواهی سجده نبرد.

پس از آن، گناه آدم و حوا بود، آنگاه که خداوند به آنها دستور داد از ثمر درخت نخورند به تشویق ابلیس - لعنت خدا بر او باد - از آن خوردند، سپس توبه کردند و خداوند توبه آنها را پذیرفت، و علت آن: «چون گناه، ترک فرمان در نزد خداوند از ارتکاب نهی بزرگ‌تر است، بخاطر این آدم از خوردن درخت نهی شده بود، و خداوند توبه او را پذیرفت، و به ابلیس دستور داده بود برای آدم سجده ببرد و چون امثال امر نکرد توبه‌اش مورد پذیرش قرار نگرفت»^(۲)، چون غالباً منشاء ارتکاب نهی، شهوت و نیار است، و منشاء ترک فرمان و امر، تکبر و خودخواهی است، و

(۱) - کتاب ادب دنیا و دین، «۲۶۰»، تألیف ماوردی.

(۲) - ابلیس در واقع اصلاً توبه نکرد. و گرنه خداوند تواب و رحیم است، چون می‌فرماید:

﴿وَلِي تَتَذَكَّرَ لَكَ يَا مَعْزُومٌ وَسَلَامٌ عَلَيْكَ﴾ (طه: ۸۲). «و من هر که را توبه کند، و ایان آورد،

و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می‌آمزم!».

کسی که به اندازه ذره‌ای تکبر در قلبش باشد وارد بهشت نمی‌شود، اما کسی که بر توحید بمیرد گرچه زنا و دزدی نیز کرده باشد، وارد بهشت می‌شود»^(۱).

پس هر کسی اوامر پروردگار مانند نماز و امثال آن را ترک کند، بی‌تردید در برابر خطر بزرگی قرار گرفته است.

آثار گناه آدم و حوا بر فرزندان شان چیست؟

ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: (اگر حوا نبود هرگز زنی به شوهرش خیانت نمی‌کرد)^(۲). منظور از حدیث این است که حوا آدم را به مخالفت فرمان پروردگار و خوردن از ثمر درخت تشویق و ترغیب کرد، و مراد از خیانت زنا کردن نیست، و ریشه آن بخاطر شومی گناه در دخترانش باقی ماند.

ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: «هنگامی که خداوند آدم را آفرید بر پشت وی دستی کشید و نسل هر فردی از فرزندانش تا روز قیامت خارج شد، و بر پیشانی هر فردی ذره‌ای نور قرار داد، سپس آنها را به آدم نشان داد، آدم گفت: پروردگارا! آنها کی هستند؟ گفت: فرزندان هستند، آدم

(۱) - کتاب الفوائد، «۲۵۰»، تألیف ابن قیم.

(۲) - مختصر صحیح مسلم، «حدیث ۸۶۴»، ص: ۲۱۹، تألیف منذری.

مردی را دید نور پیشانیش او را شگفت زده کرد، گفت: پروردگارا! این کیست؟ گفت: مردی از آخرین فرزندان است و نامش داود است، گفت: پروردگارا چند سال سن به او عطا کرده‌ای؟ گفت: شصت سال، گفت: پروردگارا! چهل سال از سن من به او عطا کن، و هنگامی که سن آدم تمام شد فرشته مرگ به نزدش آمد، آدم گفت: مگر چهل سال از سن من باقی نمانده است؟ ملک الموت گفت: مگر آن را به فرزندت داود نداده‌ای؟ پیامبر ﷺ گفت: آدم انکار کرد پس فرزندانش انکار می‌کنند! و آدم خطا کرد، فرزندانش نیز خطا می‌کنند! ^(۱)

آدم فراموش کرد که پروردگار او را از خوردن ثمر درخت نهی کرده است، و بخاطر شومی و بدی معصیت فراموشی نیز به فرزندانش سرایت کرد. و آدم و همسرش با خوردن ثمر درخت خطا کردند، و این خطا بخاطر شومی و بدی گناه به فرزندانش سرایت کرد، و آدم انکار کرد که چهل سال عمرش به داود داده است، و این انکار بخاطر شومی و بدی گناه به فرزندانش سرایت کرد.

(۱) - صحیح ترمذی، «۳/۵۳»، ناصرالدین البانی.

اولین گناه و نافرمانی که در زمین انجام گرفت^(۱).

اولین گناه در زمین حسادت قابیل به برادرش هابیل بود تا جای که او را بقتل رساند، اعمش از عبدالله بن مره از مسروق از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کسی در زمین کشته شود برخی از گناه آن بر گردن قابیل است، چون او اولین کسی است که قتل را به راه انداخت^(۲).

هز کسی به ظلم کشته شود برخی از گناه آن گریبان‌گیر قابیل است، و این بخاطر شومی و بدی گناه است.



(۱) - کتاب ادب دین و دنیا، «۲۶۰»، تألیف ماوردی.

(۲) - کتاب صحیح بخاری، «۱۹۸/۱۲»، شماره حدیث «۶۸۶۷».

فصل اول

اسباب گناه

گناهان اسباب و عواملی دارند که بصورت خلاصه چنانچه ابن قیم آورده است به سه چیز برمی گردد:

۱- وابستگی قلب به غیر خداوند، و آن منجر به شرک می شود.

۲- پیروی از نیروی قهری، و آن منجر به ظلم کردن می شود.

۳- پیروی از نیروی شهوانی، و آن منجر به فاحشه گری می شود. و عاقبت وابستگی به غیر خدا: شرک، و باور به خدای دیگر است.

و عاقبت پیروی از نیروی قهری: قتل است.

و عاقبت پیروی از نیروی شهوانی: زنا کردن است.

بدین سبب خداوند هر سه را در یک آیه چنین آورده است:

﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾﴾ (الفرقان: ۶۸).

«و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند؛ و انسانی

را که خداوند خونس را حرام شمرده، جز بحق نمی کشند؛ و زنا

نمی کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید».

و برخی از اینها باعث به وجود آمدن دیگری می شود، شرک

آدم را به ظلم و فاحشه‌گری وامی‌دارد، چنانچه توحید و اخلاص آدم را از آن دور می‌دارد^(۱).

به خدا سوگند این عاقبت تلخ ماست، تا جایی که سران کفر بر گردن مسلمانان بدون شفقت و مهربانی تسلط یافته‌اند، و هر فاجعه‌ای در گوشه گوشه جهان رخ می‌دهد مسلمانان نصیب بزرگی در آن دارند، «ولاحول ولاقوة إلا بالله العظیم» و این - پناه به خدا - به خاطر شومی و بدی گناه می‌باشد.



(۱) - کتاب الفوائد، تألیف ابن قیم جوزی، «ص: ۱۳۸-۱۳۹».

فصل دوم

آثار گناه در گذشتگان

یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ:

حسن از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت می‌کند که فرمودند: رحمت خدا بر یوسف اگر به آن زندانی نمی‌گفت: ﴿أَذْكُرُنِي عِنْدَ رَبِّكَ﴾ (یوسف: ۴۲). «مرا نزد صاحب (سلطان مصر) یادآوری کن!». این مدت در زندان باقی نمی‌ماند، سپس حسن گریه می‌کند و می‌گوید: ما هر گاه مشکلی رخ دهد دست به دامان مردم می‌شویم^(۱).

(۱) - کتاب الزهد، «ص ۱۰۳»، تألیف امام احمد، امام ابن تیمیه در تفسیر این آیه «اذکرني عند ربك» می‌گوید: معنای سخن یوسف توکل نداشتن او بخدا نبوده است، چون یوسف گفته است: «إِن الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»، و گفته یوسف: ﴿أَذْكُرُنِي عِنْدَ رَبِّكَ﴾. (یوسف: ۴۲). «مرا نزد صاحب (سلطان مصر) یادآوری کن!». مانند قولش: ﴿أَتَمَلُّكَ عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَبِيطٌ عَلِيَّةٌ﴾. (یوسف: ۵۵). «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم!» است، پس هنگامی که تقاضای ریاست می‌کند بخاطر مصلحت دینی، این خواست ریاستی نیست که از آن نهی شده، و آن گفته منافق توکل نیست، و منظور یوسف از این گفته: ﴿أَذْكُرُنِي عِنْدَ رَبِّكَ﴾. تنها خبر دادن به پادشاه بوده است تا آگاه شود و حق آشکار گردد، و یوسف از اولین توکل‌کنندگان بوده است، فتاوی ابن تیمیه، ۱۱۳/۱۵ -

یازده برادر یوسف و بنی اسرائیل که فرزندان آنها بودند:

و قصه آنها نسبت به برادرشان «یوسف» در قرآن مشهور است، و در آن قصه آمده است: ﴿أَحَبُّ إِلَيَّ أَيْبَانِمَنَا﴾ (یوسف: ۸).

«یوسف در نزد پدرمان از ما محبوبتر است».

و این حسادت آنها بود، و این حسادت به فرزندان آنها سرایت کرد، و سخن آنها: ﴿إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُ مِنْ قَبْلُ﴾ (یوسف: ۷۷).

«اگر او (بنیامین) دزدی کند، (جای تعجب نیست) برادرش (یوسف) نیز قبل از او دزدی کرد».

و این تهمت و دروغ بود، و تهمت و دروغ به فرزندان آنها سرایت کرد، و سخن آنها: ﴿أَقْتُلُوا يُوسُفَ﴾ (یوسف: ۹).
«یوسف را بکشید».

آنها بخاطر نیل به اهداف و عملی کردن نقشه شوم به هر چیزی - گرچه کشتن یوسف هم باشد - متوسل شدند، و این رفتار ناپسند در فرزندانشان باقی ماند^(۱).

و سخن آنها: ﴿وَتَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزَادُ كَيْلٍ بَعِيرٍ﴾ (یوسف: ۶۵).

(۱) - به جنایاتی که یهودیان امروزه در جهان انجام می‌دهند بنگرید، هر جنایتی در جهان رخ دهد یهودیان به خاطر رسیدن به اهداف شوم خویش در آن دست دارند.

«و برادرمان را حفظ خواهیم کرد؛ و یک بار شتر زیادتر دریافت خواهیم داشت».

این سخن ناشی از محبت ثروت‌اندوزی آنها بود و به نسل آنها بنی‌اسرائیل انتقال یافت، و آنها در مصر اقامت گزیدند، سپس زیر سلطه فرعون قرار گرفتند، و فرعون به آنها ظلم و ستم کرد و آنها را ذلیل و خوار نمود، و فرزندان آنها را کشت، و زنانشان را باقی گذاشت.

سپس خداوند موسی عَلَيْهِ السَّلَام را به پیامبری برگزید تا بنی‌اسرائیل را از آن حقارت و ذلت نجات دهد، تا شاید که سپاس‌گذار باشند، و قصه عجیب و مفصلی - در آغاز با تکریم پروردگار به آنها - به وقوع می‌پیوندد: ﴿يَبْنَىٰ اِسْرَءِىٰلَ اَذْكُرُوْا نِعْمَةَ اَللّٰهِ اَلَّتِىْ اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَنِّىْ فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ﴿٤٧﴾﴾ (البقره: ٤٧). «ای بنی اسرائیل! نعمتهایی را که به شما ارزانی داشتم به خاطر بیاورید؛ و (نیز به یاد آورید که) من، شما را بر جهانیان، برتری بخشیدم».

و منظور از «فضلتکم» این است که خداوند پیامبران بسیاری را از بنی‌اسرائیل برگزید، و نعمت‌های فراوانی به آنها بخشید، و دشمن سرسخت آنها فرعون را در دریای نیل غرق کرد، و با وصف اکرام پروردگار، طلاجات و ثروت‌های مصریان را دزدیدند، و این کار بخاطر محبت ثروت‌اندوزی آنها بود.

و شنیع‌تر از آن: هنگامی که از رود نیل عبور کردند و موسی علیه السلام به دیدار پروردگار رفت آنها گوساله‌ای از طلا ساختند و آن را مورد پرستش قرار دادند! و بخاطر شوم بودن معصیت آنها تا روز قیامت مورد خشم پروردگار - به جز مؤمنان - می‌باشند، خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْغَيْبَ بِكُفْرِهِمْ﴾ (البقره: ۹۳).

«و دل‌های آنها، بر اثر کفرشان، با محبت گوساله آمیخته شد.»
و چون آن گوساله از طلا ساخته شده بود تا حالا محبت طلااندوزی در دلشان پابرجاست، تا جای که هم اکنون مشاهده می‌کنیم سرمایه‌داران و احتکارکنندگان بزرگ یهودی هستند.
و از صفات ناپسند آنها: عناد و نافرمانی و مخالفت با پیامبران بوده است.

از جمله آن: هنگامی که به آنها دستور داده شد با سجده بردن وارد «باب» شوند و بگویند: «حطه: مغفرت» تا گناهان آنها آمرزیده شود و توبه‌شان مورد پذیرش قرار گیرد: ﴿فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ﴾ (الأعراف: ۱۶۲).

«اما ستمگران آنها، این سخن (و آن فرمانها) را، بغیر آنچه به آنها گفته شده بود، تغییر دادند.»
با مسخره گفتند: حنطه حنطه.

و از جمله آن: قصه گاو است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً﴾ (البقره: ۶۷).

«خداوند به شما دستور می دهد ماده گاوی را ذبح کنید». بخاطر شومی مخالفت و لجوجت آنها خداوند در طلب بر آنها سخت گرفت، و این صفت لجوجت به نوادگان آنها سرایت کرد. و از جمله آن: قصه «اصحاب السبت» است بخاطر شومی «حیله و کید» آنها به میمون و خوک شدند.

و از جمله آن قصه: «من و سلوی» خوراک اهل بهشت، نعمتی که هر کس از آن می خورد سیر نمی شد، چون غذای روان و خستگی ناپذیر بود، و مزه و طعم آن نسبی نبود، اما آن گاه بنی اسرائیل در طور سینا بودند بخاطر عادت به مخالفت و لجوجت نزد موسی رفتند و از او خواستند به جای «من و سلوی»^(۱) نباتات از جمله خیار و سیر و پیاز و عدس را از خداوند درخواست نماید.

بخاطر شومی و نحسی گناه، خداوند آنها را در سرزمین مصر سکونت داد، و ذلت خواری را بر سر آنها آورد، و مورد خشم خدا قرار گرفتند، و در بین آنها و نوادگان گمراه آنها باقی ماند.

(۱) - چون غذایی بهشتی بود.

و از جمله آن: خداوند به آنها دستور داد که غذا را ذخیره نکنند و غذا در آن هنگام هر چند به مدت طولانی فاسد نمی‌گردید، لیکن بخاطر خو گرفتن بنی‌اسرائیل به لجوجت و مخالفت، غذا را ذخیره کردند، و از شومی و نحسی گناه از آن هنگام به بعد غذا فاسد می‌شود^(۱).

ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: «اگر بنی‌اسرائیل نبودند هرگز غذا خراب نمی‌شد و گوشت فاسد نمی‌گردید»^(۲).

شوم بودن فرعون برای خویش و خانواده و اطرافیانش:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ﴾ (غافر: ۴۵). «و عذاب شدید بر آل فرعون وارد شد!».

آنها در دنیا مورد لعنت خداوند قرار گرفتند، و حتی گنجینه‌شان - پناه به خدا - نیز مورد لعن قرار گرفت، و اگر کسی

(۱) - و احتیاج به یخچال و سردخانه برای نگهداری غذا نداشتیم، و آن زمان تاریخ نمو میکروب در فضا محسوب می‌شود.

(۲) - مختصر صحیح مسلم، «شماره حدیث ۸۶۴»، تألیف منذری با تحقیق البانی، «ص:

آن را بدست بیاورد شومی و نحسی لعنت او را فرامی‌گیرد^(۱) و از آن هنگام گنجینه فرعون به «لعنت فرعونیان» معروف شد، و اما در آخرت: خداوند می‌فرماید: ﴿الْتَارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾ (غافر: ۴۶).

«عذاب آنها آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند؛ و روزی که قیامت برپا شود (می‌فرماید): آل فرعون را در سخت‌ترین عذابها وارد کنید!».

(۱) - یعنی لعنت پروردگار، چنانچه قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَنبَتْنَهُمْ فِي مَدْيَنَ الَّذِي لَنَكْفُرَنَّ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ (القصص: ۴۲). «و در این دنیا نیز لعنتی بدنبال آنان قرار دادیم؛ و روز قیامت». پس آنطور نیست که باستان‌شناسان می‌گویند: فرعون اموال و گنجینه‌اش را طلسم کرده است و هر کس بدنبال آن باشد مورد لعن فرعون قرار می‌گیرد، بلکه آنچه از نوشته‌های هیروغلیف و پس وی بدست آمده است علت عدم دسترسی به گنجینه‌ها لعنت خداست. این مصداق حدیث رسول الله ﷺ است که می‌فرماید: «لا تدخلوا على هؤلاء المعذنين إلا أن تكونوا باكين، فإن لم تكونوا باكين فلا تدخلوا عليهم أن يصيبكم مثل ما أصابهم». رواه أحمد. بر اینان که مورد عذاب شده‌اند وارد نشوید مگر اینکه گریه‌کنان باشید، و اگر چنین نباشید بر آنها وارد نشوید که ممکن است شما هم مورد عذاب واقع شوید. و فرمان رسول الله ﷺ در باره با سرعت رفتن در وادی محسر که در بین مزدلفه و صحرای منی واقع است، چون در آنجا خداوند اصحاب فیل را هلاک کرد.

قوم صالح و شعیب و هود و نوح و لوط علیهم السلام:

اقوامیکه بوسیله - صیحه آسمانی یا باد سهمگین یا سنگ آسمانی - نابود و هلاک شدند، و از شومی گناه: در مملکت آنها کسی سکونت نمی‌گزیند، و از چشمه‌های آنجا آب نمی‌نوشند، و علوم و فنون سنگ تراشیدن و شناختن جاهای آب و معدن‌های زیرزمینی آنها مفقود گردید^(۱).

(۱) - و این کار امروزه از جهت علمی به (امواج ذاتی) یا نیروی کشفی معروف است و به سبب آن بر وجود آب و معدن و آثار باستانی از طریق نیروی جاذبه زمین و اشکال هندسی - که تا بحال علمی مجهول است، پی برده می‌شود. و امروزه جز آثار آن، و آن هم در دایره تنگی یافت نمی‌شود. و آن هم جز بخاطر شومی گناه و معصیت نیست. و به همین خاطر معجزه هر پیامبری با آن چه که قوش در آن توانایی داشته‌اند همانند بوده است. مثلاً قوم موسی علیه السلام در نیرو و عصای کشفی و سحر چیره‌دست بوده‌اند. ﴿فَأَلْقَىٰ جِبَالَهُمْ وَعِصِيَّتَهُمْ﴾ (الشعراء: ۴۴). «آنها طنابها و عصاهای خود را افکندند». پس عصای موسی با معجزه به اژدهایی حقیقی تبدیل شد. و معجزه چشمه‌های روان خشک شدن دریا. و همچنین قوم عیسی علیه السلام در علم طبابت چیره‌دست بودند به همین خاطر معجزه عیسی علیه السلام زنده کردن مردگان - با اذن خدا - و شفای کوران و بیاران بوده است. و قوم صالح علیه السلام در تراشیدن کوهها چیره‌دست بودند و بر آن مجسمه‌ها می‌تراشیدند پس معجزه صالح بیرون آمدن آن شتر از دل کوه بوده است. و قوم پیامبر محمد صلی الله علیه و آله در شعر و بلاغت مهارت داشتند پس معجزه آن حضرت صلی الله علیه و آله قرآن است که تا روز قیامت با بلاغت عظیم و علوم فراوان آن ماندگار خواهد بود. که خود دلیل بر ماندگار بودن علم و قرآن تا روز آخرت است.

و آثار و بقایای آنها دلیل بر آن است، و اثبات برتری شگفت‌انگیز آنهاست به شیوه‌ای که هم اکنون پیشرفته‌ترین دستگاه‌ها قادر به چنین سنگ‌تراشی نیست، و آنها به خویش ظلم کردند، و اولین نفری - که از گذشتگان - به این ظلم اعتراف کرد آدم عَلَيْهِ بود و گفت: ﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّا تَغْفِرَ لَنَا وَتَرْحَمَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ ﴿۲۳﴾. (الأعراف: ۲۳).

«پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم! و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیانکاران خواهیم بود!».

و درباره آنها می‌گوید: ﴿فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ ﴿۵۲﴾. (النمل: ۵۲). «این خانه‌های ویران شده آنهاست، و در آن عبرت و پند برای دانایان است».

راز عذاب همیشگی کافران در جهنم:

خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَلَيْتُنَا نَرُدُّ وَلَا نَكْذِبُ يَأْتِيَتْ رَبَّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ ﴿۲۷﴾ بَلْ بَدَأ لَهُمْ مَا كَانُوا يُحْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ ﴿۲۸﴾. (الأنعام: ۲۷-۲۸).

«کاش (حال آنها را) هنگامی که در برابر آتش (دوزخ) ایستاده‌اند، ببینی! می‌گویند: ای کاش (بار دیگر، به دنیا) بازگردانده

می شدیم، و آیات پروردگاران را تکذیب نمی کردیم، و از مؤمنان می بودیم! (آنها در واقع پشیمان نیستند، بلکه اعمال و نیاتی را که قبلاً پنهان می کردند، در برابر آنها آشکار شده (و به وحشت افتاده اند). و اگر بازگردند، به همان اعمالی که از آن نهی شده بودند بازمی گردند؛ آنها دروغگویانند».

در این دو آیه اندیشیدم، و خیلی تعجب کردم که چگونه کافران به جهنم افکنده می شوند، و مواجه سخت ترین عذاب می باشند، و بخاطر انجام دادن اعمال نیک خواستار خروج از جهنم و بازگشت به دنیا می شوند، و خداوند عزیز و قهار درخواست آنها را نمی پذیرد: ﴿وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ﴾
 «و اگر بازگردند، به همان اعمالی که از آن نهی شده بودند بازمی گردند».

و آنگاه که بدانید «ران: زنگاری» دل هایشان را پوشیده است و مانند سنگ جهنم بلکه سخت تر از آن شده است و هیچ نیکی در آن تأثیر ندارد شگفت زده نمی شوید، و بخاطر شومی و نحسی معصیت به سوخت و غذای جهنم تبدیل شده اند و با صورت به جهنم افکنده می شوند و در آن جاویدان هستند.

خداوند می فرماید: ﴿وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ (البقره: ۲۴).
 «هیزم آن، بدنهای مردم (گنجهکار) و سنگها (بتها) است».

خداوند به آنها ظلم نکرد بلکه آنها به خویش ظلم و ستم کرده‌اند. امام احمد و مسلم از حذیفه روایت می‌کنند که پیامبر ﷺ فرمودند: فتنه‌ها - مانند جای شاخه شاخه حصیر در بدن کسی که بر روی آن می‌خوابد - بر دل‌ها وارد می‌شود، و هر قلبی با آن آمیزش یابد نکته سیاهی در آن پیدا می‌شود، و هر قلبی با آن آمیزش نیابد نکته سفیدی در آن پیدا می‌شود، تا جایکه آن قلب مانند سنگ سفید صاف می‌شود و هیچ فتنه‌ای در آن تأثیر نخواهد کرد تا آسمان و زمین پا برجاست، و قلب‌های دیگری مانند «مرید: شدت سفیدی همراه با سیاهی» کوزه وارونه شده، به غیر هوای و هوس نه خوبی را می‌شناسند، و نه از بدی دوری می‌کنند^(۱).

(۱) - صحیح جامع، تألیف البانی، «شماره حدیث ۲۹۶۰».

فصل سوم

آثار گناه در امت محمد ﷺ:

مردی که به پیامبر ﷺ گفت با عدالت رفتار نکردی:

ابوسعید رضی الله عنه روایت می‌کند علی رضی الله عنه فرمودند: پس از اینکه پیامبر ﷺ مرا به یمن فرستاد و طلا و زیورآلاتی را به نزد پیامبر ﷺ آوردم، پیامبر ﷺ فرمودند: «آن را در بین اقرع بن حابس، و زید طائی، و عیینه بن حصن فزاری و علقمه بن علائه عامری تقسیم کن»، مردی چشم فرو رفته، پیشانی برجسته، سر تاس، برخاست و گفت: بخدا سوگند با عدالت تقسیم نکردی! پیامبر ﷺ فرمودند: «وای بر تو، اگر من عادل نباشم چه کسی عادل است، هدف من تشویق و ترغیب آنها بود» حاضرین به او هجوم بردند تا به قتلش برسانند، پیامبر ﷺ فرمودند: «رهاش کنید، از نسل این مرد در آخر زمان قومی بدنیایم آید مسلمانان را می‌کشند و بت‌پرستان را رها می‌کنند، اگر آنها را بیابم مانند کشتار قوم عاد آنها را می‌کشم»^(۱).

(۱) - کتاب السنة، تألیف ابو عاصم با تحقیق البانی، «ص: ۴۲۷، ۴۲۶».

خوارج^(۱) از سپاه علی بیرون آمدند و بخاطر شومی گناه پدرشان در گفتن «عادل نیستی» شکاف عمیقی در تاریخ اسلام ایجاد کردند^(۲).

پنهان شدن ليله القدر:

در حدیثی پیامبر ﷺ می فرماید: ای مردم شب قدر را به من نشان دادند و از خانه بیرون آمدم تا آن را به مردم اعلام کنم، دو مرد آمدند و با صدای بلند باهم مشاجره می کردند و شیطان همراه آنها بود، و مشاهده آنها باعث گردید ليله القدر را فراموش کنم^(۳).
و شب قدر بخاطر شوم بودن گناه - مشاجره - آن دو نفر پنهان گردید و از خیر بزرگی محروم شدیم، و کسی نمی داند شب قدر در چه شبی از شب های رمضان است.

(۱) - بنظرم «خدا می داند» علت زیاده روی حجاج در کشتار مردم خو گرفتن به این سخن بوده است.

(۲) - به این کلمه بنگر: یک کلمه بود ولی چطور نسل در نسل انتقال یافت و شوم بودن گناه همگی را فراگرفت، پیامبر ﷺ راست فرموده: انسان سخن زشتی را می زند و آن را ساده می گیرد چه بسا آن سخن باعث می شود هفتاد سال در جهنم سقوط کند.

(۳) - مختصر صحیح مسلم، تألیف منذری، با تحقیق البانی، «شماره حدیث ۶۳۷، ص:

شتر نفرین شده:

عمران بن حصین رضی الله عنه می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در مسافرتی، زن انصاری را سوار بر شتری دید، آن زن خشمگین شد و شتر را لعن و نفرین کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله آن را شنید و گفت: «آن زن را از شتر پائین بیاورید و شتر را رها کنید، چون نفرین شده است». عمران می گوید پس از آن شتر را می دیدم در بین مردم می گشت و کسی به آن کاری نداشت^(۱).

بخاطر شومی معصیت آن شتر تا هلاکت رها گردید! و انسان هر چیزی را نفرین کند - پناه به خدا - بر آن قیاس می شود.

دعای پیامبر صلی الله علیه و آله علیه طائفه مضر:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خدایا بر مضر سخت گیر، و بر آنها خشکسالی مانند دوران یوسف علیه السلام بیاور، در نتیجه قحطی و خشکسالی سختی به مدت هفت سال آنها را فراگرفت تا جای که با شومی معصیت و دعای پیامبر صلی الله علیه و آله از گرسنگی قدید (گوشت خشک کرده و نمک سود) و استخوان می خوردند، و آن قحطی پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب رضی الله عنهم را نیز فراگرفت، و با دعای پیامبر صلی الله علیه و آله، مجازات همه را فراگرفت تا جایی که از گرسنگی سنگ را بر

(۱) - مختصر صحیح مسلم، تألیف منذری، «ص: ۴۸۰-۴۸۱، شماره حدیث ۱۸۲۰».

شکم می بستند^(۱).

محروم بودن از باران:

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: (هوبره «نوعی پرنده» از ظلم ستمگر در لانه اش می میرد). مجاهد رضی الله عنه می گوید: (زمانی که باران قطع شود و خشکسالی باشد چهارپایان آدم‌های گناهکار را نفرین می کنند، و می گویند این بخاطر شومی گناه انسان است)، عکرمه رضی الله عنه می گوید: (حیوانات و حشرات حتی سوسک و عقرب‌ها می گویند: بخاطر گناه انسان‌ها از باران منع شده‌ایم)^(۲).

انس بن مالک می گوید: (سوسمار در لانه اش بخاطر گناه انسان از لاغری می میرد)^(۳).

ابن قیم می گوید: کيفر گناه خاتمه نمی یابد تا بی گناه را نیز فراگیرد!^(۴).

مجازات خداوند نیکوکار و بدکار را فرامی گیرد:

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَأَتَقُوا فِتْنَةَ لَا تُضَيِّبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ

(۱) - تأویل مشکل الحدیث، تألیف ابن قتیبه، «ص: ۲۳۳».

(۲) - جواب الکافی، تألیف ابن قیم، «ص: ۱۶».

(۳) - تأویل مشکل الحدیث، تألیف ابن قتیبه، «ص: ۲۳۳».

(۴) - جواب الکافی، تألیف ابن قیم، «ص: ۱۶» (مراد از بی گناه: حیوانات و حشرات است).

حَاصَّةٌ ﴿﴾ (الأنفال: ۲۵). «و از فتنه‌ای پرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد؛ (بلکه همه را فرا خواهد گرفت؛ چرا که دیگران سکوت اختیار کردند)».

زینب رضی الله عنها می‌گوید: «ای پیامبر صلی الله علیه و آله آیا با وجود اینکه صالحان میان ما هستند نابود می‌شویم؟ فرمودند: آری اگر بدی و شرارت زیاد شود».

خداوند قوم نوح علیهم السلام را همگی اعم از کودکان و حیوانات بخاطر گناه مکلفان غرق کرد، و قوم عاد را با باد صرصر، و قوم ثمود را با صاعقه، و قوم لوط را با سنگ، نابود و هلاک کرد، و اصحاب السبت را به میمون و خوک مسخ کرد، و فرزندان آنها را نیز فراگرفت، اگر کسی بگوید چگونه خداوند بخاطر ستم گروهی همگی را مجازات می‌کند در حالی که می‌فرماید: ﴿وَمَا أَنَا بِظَلْمِ رَبِّیَ الَّذِیْ عَلَّمَنِی الْقُرْآنَ﴾ (ق: ۲۹). «و من هرگز به بندگان ستم نخواهم کرد».

در پاسخ، سخن - ایاس بن معاویه را نقل می‌کنیم که می‌گوید: از برخی علماء پرسیدم ظلم در کلام عرب یعنی چه؟ گفتند از کسی چیزی بگیرد که حق او نیست، گفتم پس هر چیزی از آن خداوند است، سپس انسان‌ها را بر نیت‌شان زنده می‌گرداند^(۱).

(۱) - تأویل مشکل الحدیث، تألیف ابن قتیبه، «ص: ۲۳۶».

گفته پیامبر ﷺ به صحابه: «از اینجا برخیزید»:

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: (به هنگام احضار مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) برخی صحابه از جمله عمر بن خطاب رضی الله عنه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «کاغذ و قلم را بیاورید تا چیزی را برایتان بنویسم تا پس از من هرگز گمراه نشوید». عمر رضی الله عنه گفت: «ناراحتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زیاد شده است و قرآن در نزد شماست، و قرآن برای ما کافی است و پیامبر را اذیت نکنیم»^(۱). حاضرین صدایشان را بلند کردند و با هم مشاجره کردند، برخی گفتند: نزدیک شوید تا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چیزی را برای شما بنویسد که هرگز گمراه نشوید! و برخی دیگر مانند عمر فکر می‌کردند، وقتی که اختلاف و مشاجره زیاد شد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «از اینجا برخیزید

(۱) - عمر این سخن را بخاطر این گفت: چون به نظر وی امر برای وجوب نبود بلکه از باب ارشاد به اصلاح بود و بخاطر این بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اذیت نشود و فرموده قرآن: ﴿مَا تَرْفَعَانِي﴾ (الأنعام: ۳۸). «ما هیچ چیز را در این کتاب، فروگذار نکردیم». را در ذهن داشت. و هر کس گمان کند که عمر رضی الله عنه مانع نوشته رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شده است، خداوند را به ناتوانی، و پیامبر را به تقصیر و کوتاهی در تبلیغ متهم و توصیف کرده است، بلکه چنانکه اهل علم گفته‌اند دین خداود کامل است و این امر فقط برای تأکید و راهنمایی و ارشاد بوده است.

و بیرون روید»^(۱).

عبداللہ می گوید: ابن عباس رضی اللہ عنہما گفت: (بدبختی، چه بدبختی بزرگی بخاطر اختلاف و مشاجره و تنازع از نوشته پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم محروم شدیم)^(۲).

در حدیث آمده است: که اختلاف باعث محرومیت از خیر و برکت می شود.

و این برخی از آثار شوم بودن گناه بر امت محمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بود.



(۱) - صحیح بخاری، «۱۱۴، ۴۴۳۲، ۵۶۶۹، ۷۳۶۶»، صحیح مسلم، «۱۶۳۷، (۲۲)».

(۲) - کتاب الطب، تألیف امام نسائی، «ص: ۴۴» با تحقیق سامی تونی.

فصل چهارم

کارهای بسیار خطرناکی که انسان متوجه آن نمی‌شود.

بسیار شوم و زود رخ خواهد داد

نافرمانی پدر و مادر و قطع خویشاوندی:

پیامبر ﷺ می‌فرماید: (به پدر و مادر نیکی کنید، فرزندانان به شما نیکی می‌کنند)^(۱).

عیسی بن مریم ﷺ می‌گوید: (خوشا به حال مسلمان، خوشا به حالش، چگونه پروردگار فرزندانش را پس از وی محفوظ می‌دارد)^(۲).

انس بن مالک رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمودند: «هر کس دوست دارد روزیش فراوان، و عمرش طولانی باشد، صله رحم «خویشاوندی» را قطع نکند»^(۳).

این درباره کسی است که به پدر و مادر نیکی کند و صله رحم را برقرار نماید، اما کسی که نافرمانی پدر و مادر نماید و قطع خویشاوندی کند، وای بر وی، وای، بدی جوابش بدی است،

(۱) - النوافخ العطرة، تألیف صفدی، «ص: ۸۶».

(۲) - کتاب الزهد، تألیف امام احمد، «ص: ۷۲».

(۳) - مختصر صحیح مسلم، «ص: ۴۷۰»، شماره حدیث ۱۷۶۲، تألیف منذری، با تحقیق البانی.

چون هر کسی انگور بکارد انگور درو می‌کند، و هر کسی خار بکارد خار درو می‌کند، و هر طور رفتار کنید همان در زندگی به سراغت می‌آید، تا جای که گفته‌اند: «نیکی کردن به پدر و مادر به فرزندان می‌رسد»^(۱).

ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: (هنگامی که خداوند تمام خلائق را آفرید، «رحم» برخاست و گفت: این مقامی است که از قطع آن «رحم» به تو پناه برده می‌شود، خداوند فرمودند: آری، آیا راضی می‌شوید هر کسی تو را وصل کند وصلش کنم؟ و هر کسی تو را قطع کند قطعش کنم؟ گفت: آری، خداوند گفت: این حق توست)^(۲).

ابن جوزی رحمته الله می‌گوید: (یکی از اذیت‌کنندگان پدر و مادر، روزی پدرش را کتک زد و تا جای او را روی زمین کشید، پدرش به او گفت: کافست، تا اینجا پدرم را روی زمین کشیده‌ام!)^(۳).
تعجب نکنید اگر بسیاری از اذیت‌کنندگان پدر و مادر در عاقبت گمراه می‌شوند، چون اینها بدهکاری خود با رفتار بد پدر و مادر را بر می‌گردانند، و این فرموده خداوند را فراموش کرده‌اند:

(۱) - فرموده پروردگار: ﴿وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا﴾ «کف، آیه ۸۲»، بر آن دلالت می‌کند.

(۲) - مختصر صحیح مسلم، تألیف منذری، «ص: ۴۷۱» حدیث (۱۷۶۴).

(۳) - صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، «ص: ۳۹۱».

﴿ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴾ (ق: ۱۸).

«انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام ماموریت (و ضبط آن) است». و این بخاطر شومی گناه است.

زنا کردن و مقدمات آن:

هر کسی - پناه به خدا - زنا کند یا برخی از مقدمات آن مانند عشق‌بازی و چشم‌کزی انجام دهد، آثار شوم آن، خانواده و همسر و خواهر و مادر و دخترانش را فرامی‌گیرد، خداوند می‌فرماید: ﴿ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّيْفَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا ﴾ (الإسراء: ۳۲).

«و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است».

در کلمه ﴿ وَلَا تَقْرَبُوا ﴾ فکر کنید، خدا نفرموده است: (ولا تقتربوا) تا جای که مقدمات زنا نیز عذاب بازدارنده‌ای داشته باشد، و این طرفی از شومی گناه زنا است.

و طرف دیگر آن با هم این حدیث شگفت‌انگیز را بخوانیم: عبدالله بن عمر بن خطاب رضی الله عنهما می‌گوید: با نه نفر از مهاجرین نشسته بودیم ناگاه پیامبر صلی الله علیه و آله رو به ما کرد و فرمود: «ای جماعت مهاجرین به خداوند پناه می‌برم که پنج خصلت هست شما را

گناه و آثار شوم آن در زندگی امت از قرآن و سنت —

فرانگیرد^(۱): زنا و فحشاء در بین هر ملتی علنی و آشکارا شود به طاعون و خشکسالی گرفتار می‌شوند که در گذشتگان سابقه نداشته است و غیره^(۲)». این حدیث بیماری‌های ناشی از بی‌اخلاقی و انحرافات جنسی را بیان می‌کند، و این بیماری‌ها دارای صفاتی هستند، در هیچ بیماری دیگری یافت نمی‌شود به شیوه‌ای که نشان می‌دهد این بیماری‌ها - پناه به خدا - مجازاتی الهی هستند.

از جمله آن مجازات‌ها:

۱- از بین رفتن قدرت طبیعی:

هنگامی که انسان به بیماری میکروبی مانند حصبه مبتلا می‌شود، و دارو برای وی تجویز شود، داروی ضد آن به خواست خدا باکتری آن را از بین می‌برد، ولی در بیماری‌های جنسی برعکس است، چون به محض بهبودی شخص از یک بیماری به دیگری مبتلا می‌شود.

۲- واگیر است:

باکتری بیماری‌های جنسی فقط دچار انسان و بر بدن وی

(۱) - سنن ابن ماجه، «شماره ۴۰۱۹»، کتاب الحلیة، تألیف ابونعیم، «ص: ۳۳۳/۸»

الأحادیث الصحیحة البانی شماره ۱۰۶.

(۲) - کتاب امراض الجنسیة عقوبة الهیة، تألیف دکتر عبدالحمید القضاة، ص «۱۳».

زیست می‌کند، و در بدن حیوان زیست نمی‌کند، و بیشتر از طریق آمیزش جنسی انتقال می‌یابد، و گاهی از طریق آمپول و خون و آب دهان نیز انتقال می‌یابد، و این آثار شوم زناست!

۳- ویروس سفلیس، تمام دانشمندان جهان را متحیر کرده است: بیشتر بیماری‌های واگیر قابل علاج و کشت در آزمایشگاه و بررسی و تحقیق هستند، اما ویروس بیماری‌های جنسی مانند ویروس زگیل جنسی و سفلیس غیر قابل علاج و کشت در آزمایشگاه است، و بخصوص جز موارد نادری از آن شناخته شده نیست. و پیچیدگی که در انواع این میکروب‌ها وجود دارد و همه از آن بی‌خبرند نشان دهنده آن است که مجازات الهی هستند:

﴿وَلِلَّهِ جُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (الفتح: ۴).

«لشکریان آسمانها و زمین (لشکرهای حسی، لشکرهای معنوی و لشکرهای غیبی - اعم از فرشتگان، انسیان، جنیان، شیاطین و فرود آوردن آرامش روحی بر مؤمنان -) از آن خداست».

۴- قدرت استثنائی:

ویروس بیماری‌های آمیزشی خاصیتی دارد که در دیگر بیماری‌ها یافت نمی‌شود، برای نمونه ویروس سفلیس که بصورت مارپیچ و دارای دو نوک تیز است، در جهت ورود به جسم انسان قدرت شگفت‌انگیزی در سوراخ کردن اعضای تناسلی و جسم

دارا می‌باشد، هنگامی که جسم سالم موادی روغنی را بعنوان مانعی طبیعی داراست و از ورود غبار و میکروب به بدن جلوگیری می‌کند و جسم را از میکروب‌ها مصون می‌دارد، میکروب‌ها از طریق دیگر مانند دستگاه تنفسی و معده و روده‌ها همراه با تنفس و آب و غذا وارد بدن می‌شوند، ولیکن این موانع طبیعی جسم در برابر ویروس سفلیس ناکام است.

۵- کثرت و فراوانی:

آمیزش جنسی نامشروع گرچه یک بار هم باشد ممکن است منجر به سرایت و شیوع انواع بیماری‌ها شود، گاهی در یک دفعه احتمال دارد به پنج نوع بیماری برسد.

۶- پیشگیری:

علم پزشکی واکسن بیشتر بیماری‌های واگیر و مسری را کشف کرده است، اما بیماری‌های جنسی غیر قابل علاج است!

۷- انتشار متعدد:

کاری طبیعی است که بیماری‌های واگیردار از شخصی به شخصی دیگر در صورتی انتقال می‌یابد که مسبب آن وجود داشته باشد، ولیکن بیماری‌های آمیزشی از شخصی به دیگران بدون سبب انتقال می‌یابد، برای نمونه کسی که بیماری سفلیس دارد - پناه به خدا - این بیماری به فرزندانش از نظر خلقتی و در ضمن

ولادت سرایت می‌کند، و همچنین شکنجه و آزار مادر و جنین را چند برابر می‌کند، و کسی که بیماری سوزاک دارد چشمان فرزندش را آنچنان می‌سوزاند تا کورش می‌کند.

۸- بیماری ایدز:

بیماری که مشهور به «از دست دادن بنیه جسمی» است، ایدز ویروسی است به سلول‌ها هجوم می‌برد و باعث سست شدن بنیه جسمی و ابتلا به انواع باکتری و انگل‌ها می‌شود و غده لنفاوی در دو طرف جسم ضخیم می‌کند، و همراه با آن وزن بدن کاهش می‌یابد، و لکه‌های قرمزی مانند خون‌مردگی در بدن پیدا می‌شود، و هفته‌ها به اسهال و سرفه شدید و تنگی نفس همراه با فراموشی و سستی و ضعف بدن و التهاب سینه و تب و عرق دائمی و سرطان پوستی مبتلا می‌شود.

عامل بیماری ایدز: آمیزش جنسی نامشروع، و گاهی هم جنس‌بازی، تزریق مخدرات، انتقال خون، از طریق جنین یا تزریق، یا شیردهی از طریق دهان می‌باشد، قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتِ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿۱۲﴾ (یس: ۱۲).

«به یقین ما مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آنها را می‌نویسیم؛ و همه چیز را در کتاب

آشکار کننده‌ای برشمرده‌ایم.»

ایذر^(۱) کیفری الهی است هزاران هزار نفر را نابود کرده است، و تا امروزه علم پزشکی راه علاجی برای آن نیافته است، بدون تردید این آثار شوم گناه است تا جای که انسان بی‌گناه نیز از طریق انتقال خون به آن مبتلا شده است!

بلاء موکل به سخن است:

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «از بدبختی و گناه دیگران مسرور مباش و به قیافه و حرکات و سخنان دیگران مسخره نکن، شاید خداوند به او رحم کند و شفایش دهد و تو گرفتار و مبتلا کنی»^(۲)، و این

(۱) - و از بیماری‌های نابودکننده: (سرطان، سکنه، خراب شدن کلیه، و می‌باشد، در واقع اگر رحمت پروردگار شامل مبتلا به سرطان نشود حکم به اعدام است، و عوامل آن: اشعه و آثار مخرب کارخانه‌ها و سوء تغذیه و عادات ناپسند و انحرافات و از همه مهم‌تر شومی گناه است، خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ لَانْتَفَعُوا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (الأعراف: ۹۶). «و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم». کتاب الطب محراب الإیمان، تألیف دکتر خالص حلبی، «ص: ۱۲۴».

(۲) - ترمذی و طبرانی، کتاب تمییز الطیب من الخبیث، عبدالرحمن اثری، «ص: ۱۷۱»، الأذکار، تألیف امام نووی، «ص: ۵۴۲».

بسیار مهم است شاید بسیاری به آن توجه نکنند، در روایت آمده: (هر کسی برادرش را بخاطر گناهی ناسزا گوید وفات نمی‌کند تا آن گناه را انجام دهد) ترمذی.

امام احمد رحمته الله می‌فرماید: از حسن رحمته الله شنیدم فرمود: (هر کسی برادرش را به گناهی که از آن توبه کرده است ناسزا گوید، خداوند او را به آن می‌آزماید)^(۱).

ابن سیرین رحمته الله می‌گوید: «مردی را بخاطر ورشکستگی مسخره کردم، پس از آن خودم ورشکسته شدم!».

ابن جوزی رحمته الله می‌گوید: «شخصی گفت: مردی را بخاطر افتادن چند تا دندانش مسخره کردم، پس از آن دندانهایم افتاد!»^(۲).
از برخی سلف نقل شده: (اگر به سگی ناسزا گویم می‌ترسم به سگ تبدیل شوم).

به خدا سوگند این نتیجه آشکار و واضح ناسزاگویی و مسخره کردن، یا در مسخره‌کننده، یا در فرزندانش است، و همه اینها به خاطر آثار شوم گناه است، و جز این دعا هیچ چیزی این بلا را دور نمی‌کند: (الحمد لله الذي عافاني مما ابتلاك به وفضلني على كثير

(۱) - کتاب الزهد، تألیف امام احمد، (ص: ۲۳۴۲).

(۲) - کتاب صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، (ص: ۳۹۱).

مَنْ خَلَقَ تَفْضِيلاً). پیامبر ﷺ می فرماید: (هر کسی این دعا را بخواند آن بلا او را فرامی گیرد)^(۱).

لعنت و آثار شوم آن:

لعنت و نفرین نکته بارز در بیشتر سخنان مردم است، و از بلاهای است که شمولیت پیدا کرده است، و این تأیید و مصداق این حدیث است که از پیامبر ﷺ پرسیدند: (سقارین) کی هستند؟ فرمودند: «مردمانی هستند که در آخر زمان وقتی که به هم می رسند به جای سلام کردن یکدیگر را لعنت و نفرین می کنند»^(۲).

به آثار شوم گناه در این حدیث بنگرید، ابودرداء روایت می کند پیامبر ﷺ فرمودند: «اگر کسی چیزی را نفرین نماید این نفرین به آسمان بالا می رود، درهای آسمان بر رویش بسته می شود، سپس به زمین باز می گردد، درهای زمین نیز بسته می شود، سپس به راست و چپ می رود، و چون جای را نمی یابد به کسی که نفرین شده — اگر مستحق آن باشد — برمی گردد و گرنه به گوینده آن برمی گردد»^(۳).

(۱) - الفوائد، ص ۲۵۷، تألیف ابن قیم، سیر أعلام النبلاء، ۱/ ۴۹۶.

(۲) - أحمد، الطبرانی، الحاکم. ونگا: مجموع أخبار آخر زمان، ص: ۱۲۹، تألیف مشعل.

(۳) - سنن أبی داود، با تحقیق البانی، «شماره حدیث ۴۹۰۵».

و آثار شوم این گناه منجر به محرومیت شخص از شهادت دادن و شفاعت کردن می‌شود، ابودرداء رضی الله عنه روایت می‌کند پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: (لعنت کنندگان نباید بعنوان شفاعت‌کننده و شاهد پذیرفته شوند)^(۱).

شوم بودن گناه لعن شامل غیر عاقل نیز می‌شود، ابن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند: مردی باد را لعن و نفرین کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «باد را لعن مکن، باد مأمور است. زیرا هر کسی چیزی را لعن کند و آن چیز مستحق لعن نباشد به گوینده برمی‌گردد»^(۲).

و از بزرگترین گناهان: لعن غیرمستقیم پدر و مادر است، چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «کسی که به پدر کسی ناسزا می‌گوید او نیز پدر او را ناسزا می‌گوید، و به مادر کسی ناسزا می‌گوید او نیز به مادرش ناسزا می‌گوید»^(۳)، و نسبت دادن فسق و کفر به مسلمان نیز بر لعن قیاس می‌شود^(۴).

(۱)- روایت مسلم و ابوداود. صحیح سنن ابی داود، با تحقیق البانی، «شماره حدیث ۴۹۰۷».

(۲)- مختصر صحیح سنن ابی داود، با تحقیق البانی ۳/۹۲۷، «شماره حدیث ۴۱۰۱».

(۳)- مختصر صحیح بخاری، زبیدی، «ص: ۴۶۶»، شماره حدیث ۳۰۷.

(۴)- مختصر صحیح بخاری، «ص: ۴۶۹»، شماره حدیث ۲۰۳۰، در حدیث آمده «لا یرمی رجل رجلاً بالفسوق، و لا یرمیه بالكفر إلا ارتدت علیه ان لم یکن صاحبه کذلک».

وسواس بودن:

عامل وسوسه آثار شوم گناهان پیشین است، هنگامی که کسی از گناهان توبه می‌کند شیطان به نزد او می‌آید و فزایش می‌دهد و گناهان گذشته را به یادش می‌آورد تا از رحمت خدا مأیوس شود، و زمانی که مؤمن هتک حرمت پروردگار نکرده باشد شیطان نمی‌تواند او را وسوسه کند، چنانچه علی بن ابیطالب علیه السلام می‌گوید: «هیچ بلائی جز با گناه فرود نمی‌آید و هیچ بلائی جز با توبه برداشته نمی‌شود»^(۱) و در قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ (الشوری: ۳۰).

«هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند».

و جمله آن: این حدیث شگفت است: وهب بن منبه می‌گوید: خدای متعال - در ضمن آنچه به بنی اسرائیل فرموده - می‌فرماید: (هنگامی که اطاعت شوم خشنود خواهم شد، و اگر خشنود شوم رحمت و برکت نازل می‌کنم، و و برکات من نهایی ندارد، و اگر نافرمانی شوم عصبانی می‌شوم، و اگر عصبانی شوم نفرین می‌کنم،

«هرکس، فرد دیگری را متهم به فسق یا کفر کند و او اینگونه نباشد فسق و کفر، به خودش بر می‌گردد».

(۱) - الفوائد، ابن قیم «ص: ۱۰۶».

و نفرین من به هفتمین نسل گناهکار می‌رسد^(۱).

و این حدیث مخالف این آیه قرآنی نیست: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ﴾ (الزمر: ۷).

«و هیچ گناهکاری گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد».

چون انسان بواسطه عاقبت شوم گناهِش دوستان ناباب و راه معصیت و گمراهی را برای فرزندان و نوادگانش هموار می‌سازد، و در نتیجه حمایت و محافظت و پشتیبانی پروردگار شامل نوادگانش نمی‌شود: ﴿وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا﴾ (الکهف: ۸۲).

«و پدرشان مرد صالحی بود».

امان! امان از هر گناهی، چون شوم و نحسی گناه به هفتمین نسل انسان می‌رسد.



(۱) - الزهد، امام احمد، «ص: ۶۹».

فصل پنجم

آثار گناهان بر انسان

گناهان آثار ناپسند و مذمومی بر دل و جسم در دنیا و آخرت دارد، به جز خداوند کسی تعداد آن را نمی‌داند و از جمله آن: ^(۱)

۱- محرومیت از علم: چون علم نوری است خداوند آن را در دل روشن کرده است، و گناه آن را خاموش می‌کند.

۲- تنهایی است که شخص گناهکار در دل میان خود و پروردگار ملاحظه می‌کند و اصلاً همراه با لذتی نیست.

۳- تنهایی است که عاصی در بین خود و مردم بخصوص صالحان و نیکوکاران احساس می‌کند.

۴- دشواری کار: به هر دری می‌زند بر رویش بسته است یا با دشواری روبرو است.

۵- تاریکی است که در دل احساس می‌کند، و دل و جانش با آن ناتوان می‌شود، و او را از اطاعت محروم می‌کند.

۶- گناهان عمر انسان را کوتاه می‌کند، و «پناه به خدا» برکت عمر را تا ابد محو می‌کند.

۷- گناهان تولیدمثل می‌کنند، و برخی گناه دیگری را می‌رویند، تا جای که بر انسان فایق می‌آید و انسان نمی‌تواند از

(۱) - جواب الکافی، ابن قیم، «ص: ۵۴ تا ۱۰۷».

آن جدا شود.

۸- از ترسناک‌ترین اثر گناه بر انسان: این است اراده قلبی را

سست می‌کند و گناه برتری می‌یابد و توبه کردن سست می‌شود.

۹- دل و درونش با گناه خو می‌گیرد، به شیوه‌ای که گناه

برایش عادی می‌شود و به گناه افتخار نموده و از آن دوری نمی‌کند.

۱۰- شعله غیرت در دل را خاموش می‌کند، و حیا - اکسیر

حیات دل - را از بین می‌برد.

۱۱- انسان را مورد نفرین پیامبر ﷺ قرار می‌دهد.

۱۲- محروم بودن گناهکار از دعای پیامبر ﷺ و ملائکه کرام

که برای مؤمنان طلب آموزش می‌کنند.

گناه باعث می‌شود تا پروردگار بنده‌اش را فراموش کند، و این

فراموشی هلاکت است: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ

هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١٩﴾ (الحشر: ۱۹).

«و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند،

(فرمانهای او را ترک کردند، یا از او نترسیدند) و خدا نیز آنها را

به خودفراموشی گرفتار کرد (به سبب این که خدا را در

آسوده‌حالی و نعمت فراموش کردند او نیز آنان را در سختی‌ها

دچار خودفراموشی گردانید)، آنها فاسقانند.»

اگر گناهان زیاد شود بر دل عاصی نقش می‌بندد، و جزو غافلان می‌شود: ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۱۱﴾﴾ (المطففين: ۱۴). «چنین نیست که آنها می‌پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دلهایشان نشسته».

۱۳- و از کیفر گناهان: ترس و وحشتی است که خداوند در دل گناهکار قرار می‌دهد، چون فرمانبرداری قلعه محکم پروردگار است.

۱۴- انسان را در هنگام سختی و سیه‌روزی هراسان می‌کند، و بخصوص در هنگام مرگ عاقبت شوم دارد^(۱).

آثار ترک گناهان در دنیا:

ابن قیم می‌گوید^(۲): (برخی از آثار ترک گناه عبارتند از: زنده شدن مردانگی، حفظ ناموس، حفظ شخصیت و مقام، حفظ ثروت «خداوند ثروت را پایه مصلحت دنیا و آخرت قرار داده است»، محبت مردم، زندگی شایسته، آسایش جسمی، دل‌خوشی، آسودگی خاطر، دغدغه نبودن، بی‌خیالی از وحشت فاسقان و فاجران، فقدان غم و غصه، اطمینان دل از نبود ذلت، محافظت

(۱)- الفوائد، تألیف ابن قیم، ص: ۱۵۲، ۱۵۱.

(۲)- الفوائد، ابن قیم ص ۱۵۱-۱۵۲.

کردن روشنائی دل از نابودی تاریکی گناه، فزونی روزی به شیوه‌ای که قابل شمارش نیست، آسان بودن آنچه که بر فاسقان و گناهکاران سخت است، آسان بودن عبادات، آسان بودن یادگیری، نام نیکو در بین مردم، دعای خیر مردم برای وی، شیرینی و حلاوت در چهره، وقار و عظمت در دل مردم، مردم او را یاری می‌کنند، اگر اذیت شود یا مورد ظلم قرار گیرد مردم از او حمایت می‌کنند، و اگر کسی او را غیبت کند مردم از او دفاع می‌کنند، دعایش زود اجابت می‌شود، از بین رفتن وحشتی که در بین او و خداوند بوده است، نزدیکی فرشتگان به وی، دور شدن شیاطین جن و انسان از وی، رقابت مردم باهم در خدمت‌رسانی به او، و تقاضای مردم به نزدیکی و محبت وی، نه‌راسیدن از مرگ، بلکه با فرارسیدن مرگ خوشحال می‌شود چون به حضور و دیدار پروردگار می‌رسد، حقارت دنیا در درونش، عظمت آخرت در نزدش، حرص بر یافتن مقام شایسته و سرافرازی بزرگ در آخرت، چشیدن شیرینی عبادت، احساس شیرینی ایمان، دعای حاملان عرش و فرشتگان اطراف آن برای وی، خوشحالی کاتبان کردار او، و دعای خیر برای وی در هر حالی، افزایش در عقل و فهم و ایمان و شناخت وی، بدست آوردن محبت خداوند، توجه پروردگار به او، و خوشحالی پروردگار به توبه و بازگشت وی).

آثار ترک گناهان به هنگام مرگ:

فرشتگان به هنگام مرگ او را ملاقات نموده به او مژده می‌دهند که خداوند بهشت را برای او آماده کرده است، و می‌گویند غمگین و محزون مباش، و از زندان و تنگنای دنیا به باغی از باغهای بهشت انتقال می‌یابد و تا روز قیامت در آنجا در ناز و نعمت باقی می‌مانند.

آثار ترک گناهان در روز قیامت

هنگامی که روز قیامت می‌آید گرما و عرق مردم را فرامی‌گیرد، در حالی که آن شخص زیر سایه عرش قرار می‌گیرد و با اولیاء و متقین و رستگاران در دسته اصحاب الیمین قرار می‌گیرند: ﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (الجمعه: ۴).

«این فضل خداست که به هرکس بخواهد (و شایسته بداند) می‌بخشد، و خداوند صاحب فضل عظیم است»^(۱).

خوشا به حال کسی که گناه را ترک می‌کند، و چنانچه حسن بصری رحمته الله می‌گوید: (ای آدم‌ها گناه ترک کردن از توبه کردن آسان‌تر است)^(۲).

(۱) - الفوائد، تألیف ابن قیم، «ص: ۱۵۲».

(۲) - الزهد، تألیف امام احمد، «۲/۲۴۲».

فصل ششم

«توبه و شرایط آن»

توبه انسان با سه شرط پذیرفته می شود:

- ۱- ندم بر گناه.
- ۲- اقلاع از گناه.
- ۳- عزم بر بازنگشتن به گناه، و اگر توبه از حق دیگران باشد باید حق مردم را پس دهد، و باید توبه کردن پیش از فوت وقت و زمان باشد.

امام ابن قیم رحمته الله می گوید: (منظور از ندم: یعنی از گناهان پیشین پشیمان شود، و منظور از اقلاع: یعنی فوراً از گناه دوری کند، و منظور از عزم: یعنی تصمیم بگیرد در آینده باز نگردد^(۱)). پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «هر انسانی خطاکار است و بهترین خطاکاران کسی است که توبه می کند»^(۲).

پس باید انسان فوراً اقدام به توبه نماید، امام غزالی رحمته الله می گوید: (چنانچه کسی که سمی بخورد و پشیمان شود باید فوراً اقدام به خارج کردن سم از معده کند، پس کسی که گناه «سموم دین» انجام می دهد شایسته تر است که فوراً از گناه دوری کند)^(۳).

(۱) - تهذیب مدارج السالکین، ص: ۱۲۳.

(۲) - صحیح جامع صغیر، ۴۳۹۱. روایت أحمد در مسند، و ترمذی.

(۳) - إحياء علوم الدین، تألیف امام غزالی، ۴/ ۱۵۵.

حسن بصری رضی الله عنه می گوید: (اهتمام انسان به گناه او را وادار به ترک گناه می کند، و پشیمانی از گناه کلید توبه است، و انسان همچنان به گناه اهتمام می دهد تا جای که آن گناه از برخی نیکی ها برای او سودمندتر است)^(۱).

بکر بن عبدالله المزنی رضی الله عنه می گوید: (اعمال بنی آدم به آسمان بالا می رود، و اگر نامه عملی بالا رود و در آن استغفار باشد نامه اعمالش درخشان است، و اگر نامه عملی بالا رود و در آن استغفاری نباشد بصورت سیاه بالا می رود)^(۲).

استغفار صفت مسلمان است، پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «مؤمن به مانند خوشه گندمی می ماند یک بار راست می ایستد و یکبار خم می شود، و کافر به مانند برنجی ماند تا خمیدگی راست ایستاده است و از خود خبری ندارد»^(۳).

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «ای مردم بسوی خدا بازگردید و توبه و استغفار کنید، من هر روزه یکصد بار توبه و استغفار می کنم»^(۴).
هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله - در حالی که پروردگار گناهان گذشته و

(۱) - ذم اهلوی، تألیف ابن جوزی، «ص: ۱۰۳».

(۲) - ذم اهلوی، تألیف ابن جوزی، «ص: ۱۷۴».

(۳) - صحیح الجامع الصغیر، «۲۰۰/۵».

(۴) - صحیح مسلم، «۲۷۰۲».

آینده او را بخشیده و عفو کرده است - در روز صد بار استغفار می‌کند، پس ما که در باتلاق گناه غرق شده‌ایم باید چگونه باشیم؟ ملاحظه کن چقدر پروردگار به توبه بنده‌اش - در حالی که نفع و ضرری به او نمی‌رساند - خوشحال است، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خدا از توبه بنده‌اش آنگاه که توبه می‌کند خوشحال‌تر از کسی است اگر در دشت فلاتی سوار بر شتری باشد، و شترش گم شود - در حالی که غذا و آب بر روی شتر باشد - و به دنبال آن بگردد و از آن مأیوس شود، و به کنار درختی می‌رود و در سایه آن دراز کشیده و منتظر مرگ می‌شود، و ناگاه چشم را باز می‌کند شترش را می‌بیند، و افسار آن را می‌گیرد، و در نهایت خوشحالی می‌گوید: «خدایا تو بنده من هستی، و من خدای تو هستم، و از شدت خوشحالی اشتباه می‌کند»^(۱)

پس واجب است انسان فوراً توبه نماید، چون تأخیر توبه ذاتاً احتیاج به توبه دارد، ابن قیم رَحِمَهُ اللهُ می‌گوید: «به ندرت این، به فکر توبه‌کننده برسد، بلکه می‌پندارد: اگر هر زمانی توبه کند، گناهی بر وی باقی نمی‌ماند، در حالی که توبه‌ی تأخیر از توبه، بر وی باقی می‌ماند»^(۲).
شیخ الاسلام ابن تیمیه رَحِمَهُ اللهُ می‌گوید: (فکر در خاطره‌ای، یا

(۱) - صحیح مسلم، «۲۷۴۷».

(۲) - تهذیب مدارج السالکین، تألیف ابن قیم، با تلخیص عبدالمنعم العزی، «ص: ۱۵۷».

مسأله‌ای، یا چیزی دیگر و یا مشکلی متوقف می‌شود و نمی‌توانم آن را بدانم، در این حال هزار مرتبه و یا بیشتر و یا کمتر استغفار می‌کنم تا اینکه سینه‌ام به اینها گشاده شود و مشکلم حل گردد، و ممکن است در این حال در بازار، یا مسجد، یا مدرسه، باشم، و هیچ چیز مانع نمی‌شود که ذکر و استغفار کنم تا مطلوبم را بیابم^(۱).

و ترسناک‌ترین چیز بر انسان هوای نفس است، چون شخص را بی‌خبر هلاک می‌کند. در حدیث آمده که ابلیس گفته است: بنی آدم را با گناه نابود می‌کنم، و آنها مرا به استغفار و «لا إله الا الله» نابود می‌کنند، وقتی که درمانده و شکست خورده شدم هوی و هوس را در بین آنها می‌گسترانم، و چون می‌پندارند کار نیک انجام می‌دهند در نتیجه توبه و استغفار نمی‌کنند.

و آنچه آنها را از توبه کردن منع کرد، چنانچه یحیی بن معاذ رضی الله عنه می‌گوید: (آرزوی طولانی است، و نشانه توبه‌کننده: ریختن اشک، و محبت گوشه‌نشینی، و محاسبه نفس در هر تصمیمی است)^(۲).

و اگر این نشانه وجود نداشته باشد استدراج است، عقبه بن نافع رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر کسی را دیدید که هر چه دوست داشت خداوند به او عطا می‌کند، و همچنان بر گناه

(۱) - منبع سابق.

(۲) - ذم‌لهوی، تألیف ابن جوزی، «ص: ۱۷۴».

باقی مانده، این نعمت‌ها استدرج است»^(۱).

ابوموسی رضی الله عنه می‌گوید پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: (خداوند به ظالم مهلت می‌دهد تا او را می‌گیرد و اگر او را گرفت رهایش نمی‌کند، سپس این آیه را خواند: ﴿وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ﴾ (هود: ۱۰۲).

«و اینچنین است مجازات پروردگار تو، هنگامی که شهرها و آبادیهای ظالم را مجازات می‌کند! (آری،) مجازات او، دردناک و شدید است»^(۲).

پس لازم است توبه نصوح برای تمام اعضا بدن باشد، محاسبی رحمته الله می‌گوید:

(توبه چشم: خودداری از نگریستن نامحرم).

(توبه گوش: از شنیدن حرام).

(توبه دست: خودداری از گرفتن حرام).

(توبه پاها: خودداری از رفتن به سوی حرام).

(توبه شرمگاه: حفظ شرمگاه از زنا).

(و بدین‌سان تمام اعضا حتی عقل نیز توبه دارد، و توبه آن

(۱) - صحیح جامع الصغیر، ۱/ ۵۷۵.

(۲) - الزهد، تألیف امام احمد، «ص: ۳۰».

فکر نکردن حرام است، و زیان نیز توبه دارد، و توبه آن فرانخواندن به کردار زشت است^(۱).

گناهان مانع عبادت می‌شوند، چنانچه حسن بصری رحمته الله می‌گوید: (اگر توانائی شب‌بیداری و روزه‌داری نداشتنی بدانید که محروم هستید. حتماً خطا و گناهان تو را بند و زنجیر کرده‌اند)^(۲).

عبدالله بن المبارک رحمته الله می‌گوید: (کسی که در تربیت نیکو سهل‌انگار باشد، به محروم بودن از سنت مجازات می‌شود، و کسی در رعایت سنت سهل‌انگار باشد، به محروم بودن از فرائض مجازات می‌شود، و کسی که به فرائض سهل‌انگار باشد، به محروم بودن از شناخت و معرفت مجازات می‌شود)^(۳).

اگر عبادت انجام داده باشید گناهان تو را از لذتش محروم می‌کند، از وهب بن منبه رحمته الله پرسیدند: آیا کسی که گناه می‌کند لذت عبادت را احساس می‌کند؟ فرمود: (خیر)^(۴)، حتی کسی که تصمیم به انجام گناه بگیرد نیز همینطور است.

امام احمد رحمته الله انسان را به هنگام گناه به کسی تشبیه می‌کند که

(۱) - التوبه، تألیف محاسبی، «ص: ۵۲».

(۲) - النوافخ العطره، تألیف صفدی، «ص: ۸۶».

(۳) - تذکره السامع والتکلم، تألیف کتانی، «ص: ۶۸».

(۴) - صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، «ص: ۵۱».

در مرداب راه می‌رود، و با ترس قدم برمی‌دارد، ناگاه پایش فرود می‌رود، و غرق می‌شود، و به یارانش فرمود: (انسان همیشه به این صورت از گناه حذر می‌کند تا وقتی که در گناه افتاد، و اگر گرفتار گناه شد غرق می‌شود)^(۱).

حذر! حذر! از گناهان صغیره، امام غزالی رحمته الله علیه می‌گوید: (گناه کبیره‌ای که سپری شدنی باشد و به دنبال آن کبیره‌ای دیگری نیاید امید گذشت و عفو آن بیشتر از گناه صغیره‌ای است که انسان بر آن دوام داشته باشد، چون اگر آب بر سنگی بصورت قطرات همیشگی چکیده شود در آن اثر می‌گذارد، ولی اگر تمام آن قطره بصورت یک بار بر آن سنگ ریخته شود در آن اثری نمی‌گذارد)^(۲)، به همین سبب پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «بهترین اعمال بادوام‌ترین آن است هر چند هم ناچیز باشد»^(۳).

ابن قیم رحمته الله علیه می‌گوید: (اصرار بر گناه کردن، گناه است، و به فکر ترک گناه نباشد، رضایت و تکیه بر گناه و دوام بر آن محسوب می‌شود، و این نشانه هلاکت اوست)^(۴).

(۱) - آداب الشرعیه، تألیف مقدسی، «ص: ۹۷/۱».

(۲) - احیاء علوم الدین، غزالی، «ص: ۱۹۵/۴».

(۳) - صحیح بخاری، «ص: ۶۴۶۵».

(۴) - تهذیب مدارج السالکین، تألیف ابن قیم، با تخلص العززی، «ص: ۱۲۳».

و معنای اصرار در اینجا چنانچه محاسبی رحمته می گوید این است: (شیرینی گناه در دل باقی بماند)^(۱).

ماوردی رحمته می گوید: (خندانی که به گناه اعتراف می کند بهتر از گریه کننده ای است که بر پروردگار بی پروا است، و گریه کننده ای که بر گناه خویش پشیمان است بهتر از خندانی است که اعتراف به لهُو می کند)^(۲).

(۱) - التوبه، تألیف محاسبی، «ص: ۵۵».

(۲) - ادب دنیا و دین، تألیف ماوردی، «ص: ۱۰۵».

فصل هفتم

پاک‌کننده‌های گناه

آگاه باش - خدا به ما و شما و هر مسلمانی رحم کند - برای دور ساختن آثار شوم گناه - چنانچه قبلاً ذکر کردیم - توبه محض کافی نیست، بلکه پاک‌کننده‌های می‌خواهد تا بصورت کامل پاک شود، مانند پاک کردن ظرفی که سگ آن را نجس کرده است! پیامبر ﷺ می‌فرماید: «اگر سگ زبان خود را در ظرفی فروکرد (لیسید) آن را هفت بار بشوئید و برای بار هشتم آن را خاک آلود کنید»^(۱).

ابن رجب می‌گوید: (موارد زیر گناه را پاک می‌کند:

توبه نصوح: قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ

الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿۵۳﴾ (الزمر: ۵۳).

«خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان

است».

۱- استغفار: در حدیث آمده: «اگر شما گناه نکنید خداوند

شما را از بین می‌برد و کسانی را بجای شما می‌آورد تا گناه انجام

دهند، سپس از پروردگار طلب آمرزش کنند و پروردگار آنها را

(۱) - مختصر صحیح مسلم، امام نووی، «شماره حدیث ۱۱۹، ص: ۴۱».

عفو نماید»^(۱).

حسَنَاتِ مَحْوُكُنْدَه: قرآن کریم می فرماید: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ

السَّيِّئَاتِ﴾ (هود: ۱۱۴).

«حسَنَات، سیئات (و آثار آنها را) از بین می برند».

و از جمله آن کار نیک و صدقه است.

۲- دعای مؤمن برای مؤمن: مانند طلب استغفار مؤمن برای

مؤمن و نماز بر جنازه، تا برایش شفاعت کنند..

۳- شفاعت پیامبر ﷺ: در حدیث صحیحی پیامبر ﷺ

می فرماید: «شفاعت من برای صاحبان کبیره از امتم است»^(۲).

۴- مصیبت های که پاک کننده در دنیا هستند: «هیچ غم و

مشکل و بیماری به کسی نمی رسد جز اینکه خداوند بواسطه آن

گناهی از گناهان او را می آمرزد»^(۳). به شرطی که بر آن صبر داشته

باشد.

۵- رحمت و عفو پروردگار: بدون سببی و انجام کاری از

طرف بنده.

(۱)- مختصر صحیح مسلم، امام نووی، «شماره حدیث ۱۹۲۲، ص: ۵۱۱».

(۲)- جامع الأصول، «۴۷۶/۱۰»، «شماره حدیث ۸۰۱۲».

(۳)- مختصر صحیح مسلم، «شماره حدیث، ص ۴۷۷».

ابن رجب می‌گوید: (هر کسی این هفت چیز را فراموش کند کسی را جز خویش سرزنش نکند)^(۱).

۶- خاک ریختن قبر: شیخ ابن تیمیه رحمته الله می‌گوید: (آنچه برای او از فتنه و فشار و ترس و سختی روز قیامت و ناراحتی در قبر رخ می‌دهد)^(۲).

چگونه خود را از فکر گناه محافظت می‌کنید؟

ابن قیم رحمته الله می‌گوید^(۳): موارد زیر شما را از فکر گناه محافظت می‌کند:

- ۱- یقین داشتن به اینکه خداوند آگاه و ناظر قلب و عمل و فکر شماست.
- ۲- حیاء و شرم از خدا.
- ۳- شرم از اینکه پروردگار در - خاکی که برای شناخت و معرفت خویش آفریده - فکر گناه را در آن از شما مشاهده کند.
- ۴- ترس از اینکه چنین فکری تو را از توجه و چشم خدا دور کند.
- ۵- ترس از اینکه چنین فکری محبت غیر خدا را در قلب

(۱) - تسلیة أهل المصائب، ص: ۲۵۰.

(۲) - الاایان الاوسط، تألیف ابن تیمیه، ص: ۲۹-۴۳.

(۳) - طریق الهجرتین و باب السعادتین، تألیف ابن قیم، ص: ۱۷۶، ۱۷۵.

ایجاد کند.

- ۶- ترس از اینکه چنین فکری تولیدمثل کند و شراره آن گسترده شود، و هر چه ایمان و محبت خدا در دل است را بسوزاند.
 - ۷- دانستن این که: فکر گناه مانند دانه‌های گندمی است که صیاد برای صید پرندگان روی زمین پخش می‌کند.
 - ۸- دانستن این که: فکر پلید با فکر ایمان در یک قلب جمع نمی‌شوند، مگر اینکه یکی بر دیگری غالب می‌شود.
 - ۹- دانستن این که: چنین فکرهای دریائی از دریای خیال است و ساحلی ندارد، و اگر وارد قلب شد غوطه‌ور و غرق می‌شود.
 - ۱۰- دانستن این که: چنین فکری دره احمقان و آرزوی جاهلان است، و برای صاحبش جز پشیمانی چیزی بدنبال ندارد.
- هنگامی که در چنین فکرهای - خدا نکرده - غرق شدی، به این قصه درباره انوشیروان - پادشاه فارس - گوش فرادهید:
- روزی انوشیروان به قصد شکار از شهر بیرون رفت و شتابان پیش رفت، و از لشکر دور شد، و سخت تشنه شد، و به باغی رسید و وارد باغ شد، و کودکی آنجا بود به او گفت: ای پسر اناری به من بده، اناری به او داد، و انار را باز کرد و دانه‌های آن را خارج و فشار داد، آب زیادی از آن خارج شد و نوشید، آن انار او را شگفت‌زده کرد، تصمیم گرفت باغ را از صاحب آن بگیرد،

سپس به کودک گفت: انار دیگری بده، و اناری دیگر به او داد، انار را فشار داد، آب ناچیزی از آن بیرون آمد و آن را نوشید و مزه تلخی داشت! انوشیروان گفت: ای پسر چرا انار این طور است؟ گفت: شاید پادشاه مملکت تصمیم به ظلم گرفته است و بخاطر شوم بودن ظلم انار این طور شده است، انوشیروان در دل از چنین تصمیمی پشیمان شد و توبه کرد، و به کودک گفت: انار دیگری بده، و اناری به او داد، انوشیروان مشاهده کرد که از انار نخستین بهتر است! گفت: ای پسر این چرا؟ گفت: شاید پادشاه مملکت توبه کرده باشد!

فخر رازی بر این قصه تعلیق گذاشته و گفته است: البته نام انوشیروان در دنیا به عدالت باقی مانده است حتی برخی از پیامبر ﷺ روایت می‌کنند که فرموده‌اند: «در زمان پادشاه عادل به دنیا آمده است»^(۱).

امان! امان از گناه، بخصوص گناه خلوت‌نشینی، ثوبان ﷺ از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: «برخی از امتم را می‌شناسم در روز قیامت اعمالی نیک مانند کوههای تهامه را با خود می‌آورند، خداوند آن را نابود می‌کند». ثوبان ﷺ گفت: یا رسول الله آنها را معرفی کن؟ کی هستند؟ نکند ما از آنها باشیم و

(۱) - تفسیر رازی، «۱/۲۴۴».

بی خبریم، پیامبر ﷺ فرمود: «آنها برادران شما و هم جنس شما هستند، و آنچه شما در آشکار انجام می‌دهید آنها نیز انجام می‌دهند، ولی اگر در خلوت قرار می‌گیرند مرتکب گناه و معصیت می‌شوند»^(۱).

ابودرداء رضی الله عنه می‌گوید پیامبر ﷺ فرمودند: (انسان باید از نفرین قلبی مؤمنان - در حالی که بی‌خبرست - بیمناک باشد! سپس گفت: آیا می‌دانید چه کسی؟ عرض کردم خیر، فرمود: انسان در خلوتگاه گناه انجام می‌دهد، پروردگار کینه او را - در حالی که بی‌خبر است - در دل مؤمنان قرار می‌دهد)^(۲).

بدین سبب ابن جوزی رحمته الله علیه می‌گوید: «آگاه باش: از جمله بزرگترین بدبختی‌ها گول خوردن به سلامتی پس از گناه است، چون کیفر واقع می‌شود، و از بزرگترین کیفر و مجازات این است که انسان بی‌خبر است: در حالیکه گناه در ریشه دین و دل‌ها اثرگذار است - پناه به خدا -».



(۱) - به روایت ابن ماجه، «ج ۲، شماره حدیث ۱۴۱۸».

(۲) - جواب الکافی، تألیف ابن قیّم، «ص: ۴۷».

فصل هشتم

کیفر و عقاب گناه - گرچه پس از مدتی هم باشد - واقع

می‌شود:

تردید نیست که جزای عمل چه نیک، چه بد واقع خواهد شد، و از جمله گول‌خوردگی این است که گناهکار می‌پندارد چون مجازاتی ندیده آمرزیده شده است، و چه بسا مجازات پس از مدتی، یا در آخرت واقع می‌شود، و به ندرت کسی گناهی کرده باشد و مجازات نشده باشد، پس لازم است! انسان مواظب کیفر گناه باشد، چون به ندرت از آن رهایی می‌یابد، و باید فوراً اقدام به توبه نماید، در روایت آمده: (هیچ چیزی زود به چیزی دیگر مانند حسنه جدید به گناه قدیمی الصاق نمی‌شود). و همراه با توبه گناهکار باید از مجازات پیش‌بینی شده بیمناک باشد، خدا با شفاعت توبه پیامبران پیشین را پذیرفت، آدم علیه السلام می‌گوید: گناهم، و ابراهیم و موسی علیهم السلام می‌گویند: گناهم.

اگر کسی بگوید این آیه: ﴿مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ﴾ (النساء: ۱۲۳)^(۱).

«هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر داده می‌شود».

مقتضی این است که از گناهکار چشم‌پوشی نمی‌شود، در حالی که می‌دانیم توبه مورد پذیرش قرار می‌گیرد، و از خطا

(۱) - صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، ص: ۳۹۱، ۳۹۲.

گناهکار چشم‌پوشی می‌شود، پس چه جوابی دارد؟

دو جواب داده‌اند: ۱- این آیه بر گناهکاری حمل می‌شود که بر گناه مصر بوده و توبه نکرده باشد، چون توبه ماقبلش را پاک می‌کند.

۲- به صورت اطلاق است (و این نظر ابن جوزی است، و قابل توجیه است) و ابن جوزی دلیل نقلی و عقلی آورده است.

دلیل نقلی: هنگامی که این آیه نازل شد ابوبکر رضی الله عنه گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آیا به هر گناهی مجازات می‌شویم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا بیمار نمی‌شوی، آیا غمگین نمی‌شوی، آیا سختی طاقت‌فرسا نداشتی؟ این کیفر شما بوده است».

دلیل عقلی: هنگامی که مؤمن پشیمان شود و توبه نماید افسوس او در هر لحظه بر گناه از هر مجازاتی سخت‌تر است، پس وای بر کسانی که تلخی مجازات دائمی را می‌شناسد، و لذت لحظه‌ای گناه را برمی‌گزینند!

اغفال شدن به رحمت خداوند جهل است:

برخی مردم به رحمت خداوند اغفال می‌شوند، و تنها رحمت خداوند را مشاهده می‌کنند، و فراموش می‌کنند که خداوند (شدیدالعقاب) است.

ابوعمر و بن العلاء می‌گویند: فرزند دلق به نزد جماعتی که باهم

در باره رحمت خداوند گفتگو می کردند نشست، و فرزند دق از همه آنها امید و رجاء بیشتر داشت، به او گفتند: چرا به زنان پاکدامن تهمت می زنید؟ گفت: به من بگوئید اگر مانند نافرمانی پروردگار با پدر و مادرم انجام دهم آیا فکر می کنید آنها از ته دل دوست داشته باشند مرا به تنور مملو از آتش بیاندازند؟ گفتند: خیر، بلکه تو را عفو می کنند. گفت من به رحمت پروردگار از پدر و مادر بیشتر امیدوارم!

ابن جوزی در تعلیقی بر این قصه می گوید^(۱): این نادانی محض است، چون رحمت پروردگار بشیوه لطافت و ملایمت قلبی نیست، و اگر این طور بود پرنده ای ذبح نمی گردید، و بچه ای نمی مرد، و کسی وارد جهنم نمی شد، اشتباه فرزند دق از دو جهت است:

۱- فرزند دق فقط به جانب رحمت توجه کرده، و به عقاب و کیفر توجه نکرده است.

۲- فراموش کرده که رحمت فقط برای توبه کنندگان است چنانچه قرآن می فرماید: ﴿وَأِنِّي لَفَقَّارٌ لِّمَن تَابَ﴾ (طه: ۸۲).

«و من برای کسی که توبه کند بسیار آمرزنده هستم».

و در آیه دیگر: ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُمِبَهَا لِلَّذِينَ

(۱) - تلبیس ابلیس، تألیف ابن جوزی، «ص: ۳۹۱، ۳۹۲».

يَتَّقُونَ ﴿ (الأعراف: ۱۵۶).

«و رحمت و مهربانی من شامل هر چیزی است و کسانی که تقوا پیشه کنند رحمت من برای آنها حتمی و مخصوص آنهاست». و امروزه اگر جوانی مرتکب گناهی می‌شود از برخی مردم شنیده می‌شود که می‌گویند: آنها جوان هستند، و خدا آمرزنده و مهربان است، و فراموش می‌کنند: که خدا شدیدالعقاب است.



فصل نهم

راه رهائی از گناهان شوم

درباره شوم بودن گناه و آثار مخرب آن بر فرد و جامعه بحث کردیم، و این به معنای نامیدی از رحمت خدا نیست، بلکه بیدار کردن بر خطرات گناه و رابطه دائمی با پروردگار است.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله به نقل از پروردگار (در حدیث قدسی) فرمودند: «بندهام گناهی کرد سپس گفت: خدایا مرا عفو کن، خداوند می فرماید: بندهام گناه کرد و می داند خدایی دارد و مجازات می کند، و او را می بخشد، سپس دوباره گناه می کند و می گوید: خدایا مرا عفو کن، خداوند می فرماید: بندهام گناه کرد و می داند خدای دارد و مجازات می کند، و او را می بخشد، سپس دوباره گناه می کند و می گوید: خدایا مرا عفو کن، خداوند می فرماید: بندهام گناه کرد و می داند خدای دارد و مجازات می کند، و او را می بخشد، خداوند می فرماید: آنچه می خواهید انجام بده تو را بخشیدم»^(۱).

معنای حدیث این است جز گمراهان کسی از رحمت خدا ناامید نمی شود، و انسان هر چه گناه انجام داده باشد نباید از رحمت خداوند مأیوس باشد، و ارتباط و ذکر همیشگی پروردگار

(۱) - مختصر صحیح مسلم، شماره حدیث ۱۹۳۵، ص: ۵۱۴.

سبب عفو و بخشش گناهان است، و یکی از صفات پروردگار (غفور و تواب) است، و در آن دو صفت دلالت بر وسعت رحمت و مغفرت پروردگار است، ولیکن باید انسان عاقل همیشه از گناهان بیم داشته باشد، هرچند هم توبه کرده باشد، چون اطلاعی از پذیرش توبه ندارد.

ابن جوزی رحمته الله می گوید^(۱): (بسیاری مردم را دیده‌ام به پذیرش توبه اطمینان و باور کرده‌اند و گویا یقین دارند، و این جز خدا کسی نمی‌داند، سپس اگر توبه مورد پذیرش واقع شده باشد، خجالت از انجام گناه همیشه ماندگار است، و ترس پس از توبه مورد تأیید است، چنانچه در صحاح آمده: مردم به نزد آدم عليه السلام می‌روند، آدم می‌گوید: گناهم، و به نزد نوح، ابراهیم، عیسی^(۲) عليه السلام می‌روند، و همگی می‌گویند: گناهم.

گناه پیامبران در واقع گناه نیست، و با وصف آن توبه کرده‌اند و پوزش طلبیده‌اند، و پس از آن هم بیمناک بوده‌اند، و خجالت پس از توبه از بین نمی‌رود، چه زیباست فرموده فضیل بن عیاض رحمته الله: «چقدر شرمسارم از تو ای خدایا، هر چند مرا ببخشید، به

(۱) - صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، «ص: ۳۳۰، ۳۳۱».

(۲) - این نظر ابن جوزی درباره عیسی عليه السلام درست نیست، چون در صحاح گناهی از عیسی ذکر نکرده است.

خدا سوگند بدبختی برای کسی است که گناه می‌کند و لذت لحظه‌ای را برمی‌گزیند، چون گناه حسرتی بجا می‌گذارد، هر چند هم مورد عفو قرار گیرد، هیچ وقت از دل انسان جدا نمی‌شود»^(۱).

هنگامی که انسان از گناه کردن بیمناک باشد، و عمل نیک و حسنات محوکننده گناه انجام دهد، گناهان پیشین او باعث ورودش به بهشت می‌شود: اما چگونه است؟ ابراهیم بن آدهم در

تفسیر این آیه:^(۲) ﴿وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾ (الرحمن: ۴۶).

«و برای کسی که از ایستادن در پیشگاه پروردگارش ترسیده (و به اوامر و نواهی او عمل کرده)، دو باغ بهشتی است!».

می‌فرماید: (اگر بخواهد گناهی انجام دهد از ترس خدا پرهیز می‌کند)، حسن رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: (انسان گناهی انجام می‌دهد و بواسطه آن خداوند او را به بهشت وارد می‌کند، صحابه گفتند: ای پیامبر خدا چگونه وارد بهشت می‌شود؟ فرمود: در برابر چشمش (گریزان و توبه‌کنان) است تا او را به بهشت وارد می‌کند)^(۳).

عرض سعید رضی الله عنه کردند: عابدترین انسان کیست؟ گفت: (کسی

(۱) - صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، «ص: ۳۳۱».

(۲) - الزهد، امام احمد، «ص ۴۳۷».

(۳) - الزهد، امام احمد، «ص: ۴۷۴».

است مرتکب گناه شده است و هر گاه گنااهش را به یاد می آورد عملش را ناچیز می‌شمارد^(۱).

پس اگر خواستی از گناهان رهایی یابی خود را به استغفار تسمک جو، و اعمال نیک انجام بده، و از گناهانت بترس، و از خدا خاتمه نیکو آرزو کن.

و با این قصه بحث را به پایان می‌برم: سفیان ثوری رحمته الله شبی تا صبح گریه کرد، و هنگامی که صبح شد کسی به او گفت: آیا این همه بخاطر ترس از گناه است؟ گاهی را از زمین برداشت و گفت: گناه از این آسان‌تر است، بلکه من بخاطر عاقبت و پایان بد گریه می‌کنم: ابن قیم رحمته الله در هامش این قصه می‌گوید: (این نهایت دانش است که انسان بیم داشته باشد گناه در هنگام مرگ او را بدبخت کند، و عاقبت نیکو را به عاقبت بد تغییر دهد)^(۲).

(۱) - الزهد، امام احمد، «ص: ۴۶۴».

(۲) - النوافخ العطره، صفدی، «ص: ۸۶».

فصل دهم

گناهانی که باید از آن پرهیز شود، و پیامبر ﷺ در حدیث صحیح از آن نهی فرموده است:

۱- تکبر: کسی که به اندازه ذره‌ای تکبر در دل داشته باشد وارد بهشت نمی‌شود.

۲- ریا: کسی که خود را در بین مردم بزرگ جلوه دهد خداوند در قیامت او را شرمسار می‌کند، و هر کس ریا نماید خداوند اسرارش را فاش می‌کند.

۳- طلب علم بخاطر دنیا: اگر کسی علمی یاد بگیرد - و از علمی باشد که بخاطر خشنودی رضایت خدا بکار رود - و هدف از یادگیری آن، بدست آوردن دنیا باشد، بوی خوش بهشت را استشمام نمی‌کند.

۴- عمل برای مردم: خداوند می‌فرماید: من از هر کسی به شرک بی‌نیازترم، هر کسی کاری برای من انجام بدهد و غیر من نیز منظورش باشد او را با شرکش تنها می‌گذارم.

۵- ترک نماز عصر و جمعه: «هر کسی نماز عصر را ترک کند عملش بیهوده می‌ماند». «هر کسی سه جمعه را از روی سهل‌انگاری ترک کند خداوند مهر بر قلبش می‌زند».

۶- کوتاهی در نماز: «پیمان بین ما و کافران نماز است، هر

کس آن را ترک نماید کافر است». «مرز بین کفر و شرک ترک نماز است».

۷- منع زکات: صاحب طلا و نقره‌ای که زکات آنرا نپردازد، روز قیامت ورقه‌های آهنی را در آتش جهنم گذاخته شده و بر جنب و پیشانی و کمرش می‌کشند، هر وقت سرد شد بار دیگر بر او کشیده می‌شود، در روزی که مدت آن پنجاه هزار سال است، تا اینکه بین خلائق حساب و قضاوت شود، و ببیند که او از اهل آتش است یا از اهل بهشت.

۸- جاسوسی: کسی که به سخن مردم گوش فرادهد - در حالی که دوست ندارند یا از او دوری می‌کنند - در روز قیامت فولاد گذاخته به گوشش می‌ریزند.

۹- نمازی: «نماز وارد بهشت نمی‌شود» نماز: سخن چین است.

۱۰- غیبت: «نام بردن کسی به چیزی است که دوست ندارد» پیامبر ﷺ می‌فرماید: «در شب معراج جماعتی را دیدم ناخن‌های فولادی داشتند و با آن صورت و سینه خود را می‌شکافتند، گفتم: ای جبرئیل اینها کی هستند؟ گفت: اینها کسانی هستند که گوشت مردم را می‌خوردند - کنایه از غیبت - و بدگویی آبرو و حیثیت دیگران می‌کردند».

۱۱- نفرین کردن: «نفرین کردن مؤمن مانند کشتن وی است». «نفرین‌کنندگان در روز قیامت نمی‌توانند شفاعت‌کننده و شاهد باشند».

۱۲- حسادت: از حسد ورزیدن پرهیز کنید چنانچه آتش هیزم را می‌سوزاند، حسادت نیز حسنت را نابود می‌کند.

۱۳- تکفیر مسلمان: هر کسی به برادر مسلمانش بگوید: ای کافر، این کلمه به یکی از آنها برمی‌گردد، اگر آن شخص کافر باشد به او برمی‌گردد، و در غیر این صورت به گوینده برمی‌گردد.

۱۴- ترساندن مؤمن: «برای هیچ مسلمانی جایز نیست مسلمانی را بترساند» اگر کسی آهن یا چیز برنده‌ای را رو به برادر مسلمانش بگیرد، تا دست از آن کار برمی‌دارد فرشتگان او را نفرین می‌کنند.

۱۵- افشاء راز: پست‌ترین انسان در روز قیامت کسی است که با همسرش خلوت می‌کند و سپس رازهای بین هم را نزد کسی بازگو می‌کند.

۱۶- ربا و سود: پیامبر ﷺ رباخوار و ریادهنده را لعن فرمودند: «اگر کسی با علم و آگاهی یک درهم رباخواری کند شدیدتر از ۳۶ زناست».

۱۷- عادت به شراب: پنج دسته وارد بهشت نمی‌شوند: کسی

که به شرابخواری عادت گرفته است، کسی که به سحر باور دارد، کسی که صله رحم را بجا نمی‌آورد، کاهن، منت‌گذار.

۱۸- از خانه بیرون رفتن زنی که خود را عطرآگین کرده

است: هر چشمی زنا می‌کند، اگر زنی خود را عطرآگین نماید و از کنار جمعی - مرد - عبور نماید زناکار است.

۱۹- نظر حرام: خدا بر انسان در هر چیزی زنایی قرار داده

است، و خواهه یا نخواهد آن را می‌یابد، زنای چشم تماشای نامحرم است، و زنای گوش شنیدن حرام است، و زنای زبان سخن حرام است، و زنای دست‌ها قلب هوس و آرزو می‌کند، و شرمگاه گاهی آن را تأیید، و گاهی رد می‌کند.

۲۰- خلوت با زن نامحرم: هیچ کدام از شما با زنی نامحرم

خلوت نکنند. چون نفر سومی آنها شیطان است.

۲۱- هم‌جنس‌بازی (لواط): «خدا کسی را که عمل قوم لوط

انجام می‌دهد نفرین کرده است». «اگر کسی را یافتید که عمل قوم لوط را انجام داد هم فاعل و هم مفعول را به قتل برسانید».

۲۲- زنا کردن: «... با آنها رفتم خانه‌ای را دیدم بر روی

تنوری ساخته بودند از طرف بالا تنگ و از طرف پائین واسع بود، و آتش در آن افروخته بودند، و مردان و زنانی لخت در آنجا بودند، هنگامی که آتش شعله‌ور می‌گردید از آنجا بلند می‌شدند

تا جای که نزدیک بود خارج شوند، و اگر خاموش می‌گردید دوباره برمی‌گشتند، پرسیدم: آنها کی هستند؟ «سپس گفت: آنهایی که در تنور دیدی؛ زناکاران هستند».

۲۳- تشبه مرد به زن و بالعکس، و همچنین تشبه به کافر:

«پیامبر زنانی که خود را به صورت مردان درمی‌آوردند و مردانی که خود را به صورت زنان درآوردند لعن و نفرین کرده است». «هر کسی شبیه قومی شود از جمله آنهاست».

۲۴- خال کوبی و پیوند مو: خداوند پیونددهنده، مو و کسی

که خواستار آن است، و کسی که خال می‌کوبد، و کسی که خواستار خال کوبی است را لعن کرده است.

۲۵- ازدواج بدون ولی: هر زنی بدون اجازه ولی و

سرپرستش ازدواج کند ازدواجش باطل است، ازدواجش باطل است.

۲۶- نسبت دادن فرزند به غیر پدرش: کسی که با علم و

آگاهی ادعا کند که فرزند پدرش نیست بهشت بر وی حرام است.

۲۷- رفتار نکردن به علم و دانش: مردی را در روز قیامت

می‌آورند و در آتش افکنده می‌شود وروده‌هایش بیرون می‌آید، و در میان روده‌هایش مانند چرخیدن الاغ در آسیاب دور می‌زند، و جهنمیان بر او جمع می‌شوند و می‌گویند ای فلانی چرا این طور

هستی؟ مگر تو نبودی که ما را امر به معروف و نهی از منکر می کردی؟ پاسخ می دهد من شما را امر به معروف می کردم و خود انجام نمی دادم، و شما را نهی از منکر می کردم و خود انجام می دادم.

۲۸- کتمان و پنهان کردن علم: کسی که از او چیزی پرسند

و با وصف آگاهی جواب ندهد در روز قیامت لگام آتشین در دهانش می گذارند.

۲۹- دروغ بر پیامبر ﷺ: «دروغ بستن بر من مانند دروغ

بستن بر هیچ کسی نیست، هر کسی عمداً بر من دروغی ببندد جایگاه خویش در آتش را آماده کند.

۳۰- دروغ گفتن: «حذر! حذر از دروغ گفتن، چون همراه

فسق است و هر دو در جهنم است» مؤمن دروغ نمی گوید: «شب معراج دو مرد به نزد آمدند و گفتند: آن شخصی که گوشه دهانش را چاک چاک می کند دروغگوی بود، کارش دروغگوئی بود و دروغی که می گفت به آفاق می رسید.

۳۱- دروغ گفت به شوخی: وای بر کسی که دروغ می گوید

تا مردم بخندند. وای بر وی! وای بر وی!

۳۲- خود پاک نگه نداشتن از ادرار: از ادرار خود را پاک

نگهدارید چون اولین چیزی است که انسان به آن در قبر محاسبه می شود.

۳۳- سفر زن بدون همراهی محرم: برای هیچ زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد حلال نیست مسافت یک روز - جز با همراهی محرمی - سفر نماید.

۳۴- نوحه سرایی: کسی که بر وی نوحه سرایی و زاری می‌کنند در روز قیامت به آن معذب می‌شود «خداوند زن نوحه‌سرا و گوش‌دهنده به وی را نفرین کرده است».

۳۵- فراخواندن به گمراهی: هر کسی مردم را به گمراهی فراخواند گناه آنها بر دعوتگر است بدون اینکه چیزی از گناه آنها کم شود.

۳۶- سوگند به غیر خدا: «هر کس به غیر خدا سوگند یاد کند یا کافر یا مشرک می‌شود». «هر کس سوگند یاد می‌کند یا به خدا سوگند یاد کند و یا ساکت شود».

۳۷- سوگند دروغ: هر کسی با سوگند دروغ مال کسی را تصرف نماید، پروردگار را ملاقات می‌کند در حالی که از او خشمگین است.

۳۸- سوگند در معاملات: «از سوگند فراوان در معاملات پرهیز کنید چون معامله را رواج می‌دهد سپس نابود می‌کند». «سوگند کالا را رواج و برکت را نابود می‌کند».

۳۹- دزدی: «هیچ دزدی دزدی نمی‌کند مگر اینکه به هنگام

دزدی مؤمن نیست». «خداوند دزدی را که تخم مرغ می دزدد و دستش قطع می شود نفرین کرد».

۴۰- غصب زمین: کسی ظالمانه یک وجب زمین کسی را غصب کند خدا روز قیامت هفت طبقه زمین را طوق گردنش می گرداند.

۴۱- ساختن بنا بر قبر: پیامبر ﷺ از گچ کاری قبر و نشستن بر روی آن و ساختن بنا بر آن نهی فرمود.

۴۲- نیرنگ: هنگامی که خداوند تمام خلائق را در روز قیامت گردآوری می کند، برای هر خیانت کاری پرچمی برافراخته می شود، و می گویند این خیانت فلانی فرزند فلانی است.

۴۳- نشستن بر قبر: اگر کسی بر اخگر (آتش پاره ای) بنشیند و لباسش سوخته شود، بهتر از نشستن بر قبری است.

۴۴- عزاداری بر مرده: برای زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد حلال نیست بیشتر از سه روز بر مرده - جز برای شوهر - سوگواری نماید.

۴۵- تکدی کردن: سه چیز بر آن قسم می خورم، و سخنی برای شما می گویم آن را حفظ نمائید ... هیچ کسی باب تکدی را باز نمی کند مگر اینکه خداوند باب فقیری را بر وی باز می کند.

۴۶- خیانت در معامله: پیامبر ﷺ از فروختن شخص شهری

برای صحرائی «بیابانی یا روستائی» و خیانت در معامله، و معامله بر معامله برادر دینی نهی فرمود.

۴۷- زنائی که به زیارت قبرستان می‌روند: «خداوند زنائی را

که به زیارت قبرستان می‌روند نفرین کرده است» ام عطیه رضی الله عنها می‌گوید: ما زنان از رفتن به تشیع جنازه منع شده‌ایم، ولی بر ما به صورت جدی مصمم نبود.

۴۸- اجتناب کردن زن: اگر مردی تقاضای همبستری از

همسرش نماید و او ممانعت نماید تا صبح فرشتگان او را نفرین می‌کنند.

۴۹- خیانت به زیردستان: هر کسی خدا او را بر گروهی

برتری داده باشد و به هنگام مرگش معلوم شود به آنها خیانت کرده است پروردگار بهشت را بر وی حرام می‌گرداند.

۵۰- فتوی دادن بدون علم و آگاهی: کسی که برای وی

فتوی بدون آگاهی داده باشند گنااهش بر فتوادهنده است.

۵۱- تقاضای طلاق: هر زنی بدون مشکل از همسرش

خواستار طلاق باشد بوی بهشت بر وی حرام است.

۵۲- سخنی که باعث خشم پروردگار شود: کسی حرفی

- از خشم پروردگار - می‌زند و به آن مبالات نمی‌دهد، در حالی که ممکن است بواسطه آن هفتاد سال در جهنم سقوط کند.

۵۳- سخن به غیر ذکر خدا: به غیر یاد و ذکر خدا زیاد

سخن نگوئید چون باعث سنگدلی می شود.

۵۴- قهر با مسلمانی: «برای هیچ مسلمانی حلال نیست بیش

از سه روز از برادر دینی اش قهر باشد». «هر کسی یک سال با برادرش قهر باشد مانند آن است که او را کشته باشد».

۵۵- ناسزاگوئی: بدترین انسان در روز قیامت کسی است که

مردم از ترس فحش و ناسزاگوئی او را ترک کرده اند.

۵۶- کسی که هدیه ای می دهد و دوباره پشیمان می شود:

«کسی که خواستار برگرداندن هدیه اش است مانند سگی است قی

می کند سپس به آن دوباره برمی گردد». «برای هیچ مسلمانی حلال

نیست هدیه ای به کسی بدهد سپس پشیمان شود و خواستار

هدیه اش باشد».

۵۷- اعلان گم شده در مسجد: هر کس شنید مردی گم

شده اش را در مسجد اعلان می کند بگوید: خدا گم شده ات را

برنگرداند، چون مساجد برای چنین چیزها ساخته نشده است.

۵۸- مرور از جلو نمازگذار: اگر مرورکننده ای از جلو

نمازگذار می دانست چه کیفی دارد، همانا چهل سال می ایستاد

بہتر بود برای وی تا از جلو او عبور نماید.

۵۹- اذیت و آزار نمازخوان: هر کسی که پیاز و سیر و

تره‌فرنگی بخورد نباید به مسجد ما نزدیک شود چون فرشتگان به آنچه که انسان را آزار می‌رساند اذیت می‌شوند.

۶۰- نوشیدن‌های که منع شده‌اند: پیامبر ﷺ از نوشیدن از دهانه مشک آب نهی کردند: «پیامبر ﷺ از نوشیدن با حالت ایستاده جلوگیری کرد.

۶۱- نوشیدن با دست چپ: هیچ یکی از شما با دست چپ چیزی نخورد و ننوشد چون شیطان با دست چپ می‌خورد و می‌نوشد.

۶۲- قطع صله رحم: «کسی که قطع خویشاوندی می‌کند وارد بهشت نمی‌شود، هیچ گناهی مستحق‌تر به کیفر زودرس پروردگار در دنیا - با وصف ذخیره کیفر آخرت- از قطع خویشاوندی و خیانت و دروغ نیست». «زودرس‌ترین پاداش اعمال برای صله رحم است، تا جای که خانواده بدکار نیز با صله رحم دارائی و تعداد آنها فزونی می‌یابد».

۶۳- صلوات نفرستادن بر پیامبر ﷺ: «به خاک مالیده شود - بی‌ارزش شود - بینی آن کسی که اسم من در نزدش برده شود و صلوات بر من نمی‌فرستد». «بخیل کسی است نام من نزدش برده می‌شود و صلوات بر من نمی‌فرستد».

۶۴- مهمل گفتن و متکلفانه سخن گفتن: منفورترین شما نزد

من و دورترین کس از من در روز قیامت: آدم‌های مهمل‌گو و یاوه‌گو و پرگو هستند.

۶۵- نگهداری سگ: هر کس سگی را - بجز سگ شکاری

یا سگ گله نگهداری کند، هر روز دو قیراط «دو پیمانانه بزرگ» از پاداشش کاهش می‌یابد.

۶۶- اذیت کردن حیوانات: زنی بواسطه گریه‌ای وارد جهنم

شد، چون گریه را حبس کرد، و نه خوراکی به آن داد! و نه هم رهايش کرد تا از حشرات زمین چیزی بخورد تا از لاغری مرد. چیز جاندار را به بازی و اذیت نگیرید.

۶۷- نقاشی و عکس کشیدن: «سخت‌ترین عذاب روز قیامت

برای کسانی است که (جاندار) را نقاشی می‌کنند» فرشتگان وارد خانه‌ای نمی‌شوند که در آن سگ یا عکس است.

۶۸- دشمنی کردن با دوستان خدا: خداوند می‌فرماید: هر

کسی با یکی از دوستان من دشمنی کند با او اعلام جنگ می‌کنم.

۶۹- قتل پناه‌آورنده: هر کسی پناهنده‌ای را به قتل برساند

وارد بهشت نمی‌شود، و شمیم و بوی بهشت، در مسیر یکصد سال را می‌یابد.

۷۰- محروم کردن وارث از ارث: هر کس وارثش را از ارث

محروم نماید، خداوند او را از بهشت محروم می‌نماید.

۷۱- پنج چیز با پنج چیز واقع می‌شود: پنج چیز اگر به آن

مبتلا شدید حال شما چگونه خواهد بود و - به خدا پناه می‌گیرم که شما را فرانگیرد - هیچگاه فحشاء در بین قومی بصورت علنی آشکار نشده است مگر اینکه خشکسالی و طاعونی که در - بین گذشتگان آنها سابقه نداشته - در بین آنها شیوع می‌یابد. و خیانت در ترازو و پیمانۀ انجام نداده‌اند مگر اینکه به خشکسالی و تنگدستی و ظلم حاکم گرفتار شده‌اند. و زکات اموال پرداخت نکرده‌اند مگر اینکه از بارش باران محروم شده‌اند. و اگر چارپایان نبود باران نمی‌بارید. و عهد و پیمان خدا و پیامبرش ﷺ را نقض نکرده‌اند. مگر اینکه خداوند دشمنی از غیر آنها بر آنان مسلط کرده است، و برخی از آنچه داشته‌اند را تصرف کرده است، و امرای هیچ قومی به کتاب خدا عمل نکرده‌اند مگر اینکه باعث بدبختی در بین آنها بوده‌اند.



خاتمه

هنگامی که می‌خواهیم در دنیا و آخرت سالم باشیم باید از عاقبت گناهان بیمناک و برحذر باشیم، و این جز با ترک گناهان و دوری از آن، و طلب آمرزش دائمی ممکن نیست.

ابن جوزی رحمته الله می‌گوید: (باید هر انسان عاقل و فهیمی از عاقبت گناهان بیمناک باشد و حذر کند، چون در بین انسان و پروردگار فامیلی و نسب نیست، بلکه بر مبنای قسط و عدالت است، هر چند مهربانی او شامل همه گناهان می‌شود، و اگر بخواهد با گناه ناچیزی آدم را شرمسار می‌نماید، امان! امان!)^(۱).

مطالبی که ملاحظه کردید چیزی بود دوست داشتم در این بحث کوتاه بخاطر اهمیت موضوع و گله و شکایت مردم از سنگدلی، و از بین رفتن برکات، و وسوسه‌های شیطانی به آن اشاره کنم و خصوصاً عامل اصلی آن شوم بودن گناه - پناه به خدا - می‌باشد، پس اگر خطا و اشتباهی در آن پیدا کردید از بنده حقیر است، واستغفرالله العظیم.

والحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات.

(۱) - صید الخاطر، ابن جوزی، «ص: ۱۳۲».

هیچ دعای سودمندتر از دعای غائب برای غائب نیست.

ای خواننده به خدا سوگندت می‌دهم:

که برای نویسنده طلب آمرزش بنمائید.

ریاض / اول محرم ۱۴۲۱ هجری

نویسنده:

أبو محمد عبدالله بن محمد بن عبدالرحمن السدحان

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- تفسیر رازی، رازی.
- ۳- مختصر صحیح بخاری، زبیدی.
- ۴- مختصر صحیح مسلم، منذری با تحقیق البانی.
- ۵- صحیح سنن أبی داود، البانی.
- ۶- صحیح سنن ترمذی، البانی.
- ۷- صحیح جامع الصغیر، البانی.
- ۸- فتح الباری، ابن حجر عسقلانی.
- ۹- جامع الاصول، ابن کثیر.
- ۱۰- النوافخ العطرة، صفدی.
- ۱۱- تأویل مشکل الحدیث، ابن قتیبہ.
- ۱۲- صحیح سنن ابن ماجه، البانی.
- ۱۳- تمییز مشکل الحدیث، عبدالرحمن اثری.
- ۱۴- الحلیه، ابونعیم.
- ۱۵- تذکره السامع والمتکلم، کنانی.
- ۱۶- تهذیب مدارج السالکین، عبدالمنعم العزى.

- ۱۷- احیاء علوم الدین، غزالی.
- ۱۸- فتاوی شیخ الاسلام ابن تیمیة، ابن تیمیة.
- ۱۹- الزهد، ابن تیمیة.
- ۲۰- الفوائد، ابن قیم.
- ۲۱- آداب الدنيا والدين، ماوردی.
- ۲۲- الجواب الكافي، ابن قیم.
- ۲۳- الأذکار، نووي.
- ۲۴- صيد الخاطر، ابن جوزي.
- ۲۵- طريق الهجرتين و باب السعادتین، ابن قیم.
- ۲۶- الايمان الاوسط، ابن تیمیة.
- ۲۷- ذم الهوى، ابن جوزی.
- ۲۸- مفتاح دارالسعادة، ابن قیم.
- ۲۹- التوبة، محاسبی.
- ۳۰- تلبیس ابلیس، ابن جوزی.
- ۳۱- الآداب الشرعية، مقدسی.
- ۳۲- تسلية اهل المصائب، ابن رجب.
- ۳۳- الحسن البصری، ابن جوزی.

- ۳۴- نثر الدرر، ابوسعید الآبی.
- ۳۵- الأمراض الخبيثة عقوبة إلهية، د- عبدالحمید قضاة.
- ۳۶- الطب محراب الإیمان، د- خالص جلیبی.
- ۳۷- مجموع أخبار آخر الزمان، مشعلی.
- ۳۸- ابن تیمیة بطل لاصلاح الدينی، محمد مهدی استانبولی.
- ۳۹- التدريبات العملية في علم الموجة الذاتية، يحيى حمزه شولك.
- ۴۰- معانى القرآن الكريم، ابو جعفر نحاس.
- ۴۱- معانى القرآن، زجاج.